



دو سال تاخیر؛

چرا برق ۲۲۰ کیلوولت به بامیان نمی‌رسد؟



تأمین برق بامیان، یکی از وعده‌های مهم و همیشه‌گی رییس جمهور غنی چه در زمان کارزارهای انتخابات ریاست جمهوری و چه بعد از آن بوده است. پس از سال‌ها اعتراض بامیانی‌ها در پیوند به بی‌برقی و همین‌طور اعتراضات گسترده «جنبش روشنائی» در واکنش به تغییر مسیر خط برق ۵۰۰ کیلوولت از بامیان به سالنگ، سرانجام حکومت یک خط جداگانه برق با ظرفیت ۲۲۰ کیلوولت را برای بامیان وعده داد. با وجودی که از مهلت تعیین شده برای تکمیل کار پروژه برق موسوم به ۲۲۰ کیلوولت زمان زیادی می‌گذرد، اما این پروژه به دلایلی تکمیل نشده و از برق خبری نیست. رییس جمهور غنی در کنار سایر وعده‌هایش، بارها روی تأمین برق بامیان تأکید کرده است. او در سی‌ام ماه سنبله سال گذشته در سفرش به بامیان بار دیگر گفت که برق ۲۲۰ کیلوولت کارش عنقریب تکمیل شده و چند ماه بعد توزیع خواهد شد.



جنگ در دروازه‌های شهر؛

طرح تخلیه اضطراری سفارت امریکا در کابل روی میز است

عوامل تشدید جنگ در ولسوالی خوست و فرنگ

امنیت باید محلی شود

جنگ هر روز در حال تشدید و اوضاع عمومی رو به وخامت است. ولسوالی‌ها در ولایت‌های مختلف کشور هر روز میان نیروهای دولتی و طالبان دست به دست می‌شود. تلفات در هر دو جبهه بی‌پیشینه است. ماه گذشته خونین‌ترین ماه در بیست سال اخیر گفته شده است. در چنین وضع و حالی، حامیان بیرونی دولت یا افغانستان را ترک کرده‌اند و یا در حال ترک کشور هستند.



یک قدم راه، کرایه موتر خراج شاه



در سال‌های اخیر و بعد از کشف گورهای دسته‌جمعی مربوط به دوران کمونیستی و سال ۱۳۵۷، نام این منطقه به دشت شهدا تغییر یافت؛ هرچند مردم محل و عوام هنوز هم دشت قرق‌اقرغ می‌گویند و از دشت شهدا یاد نمی‌کنند.

تخریب ۳۹ پایه برق در شش ماه؛ برشنا از مردم طرح حفاظتی خواست



۸ صبح، کابل: طبق اعلام شرکت برشنا، در شش ماه گذشته ۳۹ پایه برق وارداتی در کشور با انفجار ماین منهدم و تخریب شده است. این شرکت از مردم خواسته است که برای چگونگی حفاظت پایه‌های برق طرح ارائه کنند. شرکت برشنا می‌گوید که انهدام و تخریب ۳۹ پایه برق در شش ماه گذشته میلیون‌ها افغانی هزینه روی دست این شرکت گذاشته است.

صادرات افغانستان به اردن ۷۰ درصد افزایش یافته است

۸ صبح، کابل: وزارت صنعت و تجارت کشور اعلام کرده است که در دو سال پسین، میزان صادرات افغانستان به اردن ۷۰ درصد افزایش یافته است. براساس معلومات وزارت صنعت و تجارت، صادرات افغانستان از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ به کشور شاهی اردن افزایش چشم‌گیری داشته است. در نشست آنلاین وزارت‌های کشور روز شنبه، دوازدهم سرطان، به منظور تقویت روابط تجاری نشست آنلاین برگزار کرده‌اند. براساس آمارهای ریاست احصایه وزارت صنعت و تجارت، از سال



پرواز های کابل استانبول و برعکس آن هر هفته به روز های جمعه

قیمت تکت رفت
190 USD



خروج ناگهانی نبود، دولت برنامه نداشت

موضع گیری‌های مقام‌ها و همین‌طور واقعیت‌های میدان جنگ نشان می‌دهد که دولت برای رویارویی با تهدیدات احتمالی پس از خروج، آماده‌گی نداشته است. به همین علت، سقوط دسته‌جمعی و پی‌هم پاسگاه‌ها و ولسوالی‌ها باعث دست‌پاچه‌گی دولت شده است.

عبدالله در بیست‌وششم جوزا اعتراف کرد که دولت برای خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان آماده‌گی ذهنی نداشت. او پس از بازگشت از آمریکا، نیز گفت که سقوط پی‌هم ولسوالی‌ها ریشه ناشی از خلایی است که در پی خروج ناگهانی نیروهای بین‌المللی از افغانستان به میان آمده است.

معین سیاسی وزارت خارجه کشور در یازدهم سرطان در دیدار با معین وزارت خارجه تاجیکستان نیز گفته است که خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان ناگهانی بود. میرویس ناب به مظفر حسین‌زاده اطمینان داده است که حملات فعلی گروه طالبان، دایمی نیست. به گفته او، این حملات با شروع «مدارس دینی در پاکستان» کاهش خواهد یافت. از این دست اظهارات چنین معلوم می‌شود که مقام‌های افغانستان قصد دارند سهل‌انگاری و بی‌پروایی خود نسبت به پیامدهای برنامه خروج را کتمان کنند. آن‌ها با برجسته کردن این نکته که خروج «ناگهانی» بود، می‌خواهند تقصیر وضعیت موجود را بر دوش آمریکا و ناتو بیندازند. این در حالی است که برنامه خروج نه تنها «ناگهانی» نبود، که مورد استقبال دولت افغانستان نیز قرار گرفت. غنی بارها اعلام کرد که برنامه خروج با دولت افغانستان هماهنگ شده و او از این اقدام آمریکا و ناتو استقبال می‌کند و مردم هم نباید نگران فروپاشی و سقوط دولت باشند.

برنامه خروج نیروهای بین‌المللی در ۲۵ سرطان ۱۳۹۰ با انتقال مسوولیت‌های امنیتی از این نیروها به نیروهای افغان از بامیان کلید خورده بود. این انتقال تنها یک‌ونیم ماه بعد از قتل اسامه بن لادن انجام شد. آمریکا و ناتو که در آن زمان پیروزی خود در جنگ علیه تروریسم و القاعده را جشن گرفته بودند، با شروع برنامه انتقال مسوولیت‌های امنیتی عزم خود برای ترک افغانستان را عمومی کردند. پس از پایان ماموریت رزمی نیروهای خارجی در جدی ۱۳۹۳، ماموریت جدید این نیروها در بخش‌های آموزشی و مشورت‌دهی به نیروهای افغان آغاز شد. پیام این تغییر ماموریت آن بود که نیروهای خارجی قرار نیست برای جنگ در افغانستان باقی بمانند و نمی‌خواهند در جنگ دولت افغانستان و شورشیان ضد دولت به صورت مستقیم دخالت کنند. در دهم حوت ۱۳۹۸ بین آمریکا و طالبان توافق‌نامه صلح امضا شد. آمریکا به صورت صریح متعهد شد که در ظرف ۱۳ ماه کل نیروهایش را از افغانستان بیرون می‌کند. ناتو هم تابع این توافق‌نامه، تصمیم گرفت که نیروهایش خاک افغانستان را تا یازدهم ثور ۱۴۰۰ ترک می‌کنند. پیش از این توافق‌نامه، دونالد ترامپ دست‌کم دو بار به صورت بسیار واضح اعلام کرد که نیروهای کشورش را از افغانستان بیرون می‌کشد. ترامپ در جدی ۱۳۹۷ گفت که آمریکا نیازی به حضور نظامی در افغانستان ندارد. به گفته او، هند، پاکستان و روسیه در آن جا هستند و اگر قرار است جنگی در افغانستان رخ بدهد، باید این کشورها بجنگند، نه آمریکا. ترامپ بعدتر در سرطان ۱۳۹۸ با صراحت لهجه گفت که آمریکا مایل نیست «پولیس افغانستان باشد».

جو بایدن پس از آن‌که قدرت را از دونالد ترامپ تحویل گرفت، به راه سلف خود رفت و بدون هیچ تغییری در سیاستش در قبال افغانستان، برنامه خروج را قطعی اعلام کرد. طبق اعلام بایدن، برنامه خروج با اندکی تأخیر تا بیستم سنبله ۱۴۰۰ عملی می‌شود. البته با توجه به شتابی که در اجرای این برنامه دیده می‌شود، ممکن است نیروهای خارجی زودتر از موعد مقرر افغانستان را ترک کنند. آمریکا و ناتو روی برنامه خروج تقریباً یک دهه کار کرده‌اند. در تمام این مدت، دولت افغانستان در جریان برنامه خروج قرار داشته است. جای بسیار تعجب است که مقام‌های افغانستان از «ناگهانی» بودن برنامه خروج سخن می‌گویند و تلاش دارند تقصیر وضعیت موجود را به گردن آمریکا و ناتو بگذارند. بدون هیچ تردیدی، مقصر وضعیت موجود خود مقام‌های افغانستان هستند و نباید بار ملامتی را به گردن دیگران بیندازند.

امریکایی‌ها بارها اعلام کرده‌اند که برنامه خروج، شوخی نیست. دولت افغانستان باید برای مصالحه با طالبان آماده شود. در کنار آن، باید آماده‌گی بگیرد که با شورشگری به تنهایی مصادف بدهد. متأسفانه به دلیل محاسبات اشتباه مقام‌های دولت افغانستان، هم فرصت صلح از دست رفت و هم فرصت مهار شورش‌گری. گروه طالبان از شروع ماه می (۱۱ ثور) تا کنون ده‌ها ولسوالی را از کنترل دولت بیرون کرده است. این گروه ضمن تسلط بر بخش‌هایی از شاهراه‌ها، بزرگ‌ترین گذرگاه مرزی بین افغانستان و تاجیکستان به نام شیرخان بندر را نیز تصرف کرده است.

بسیاری از شهرها در ولایات شمال و شمال‌شرق کشور در معرض سقوط قرار دارد. بعضی از شهرها در جنوب کشور نیز در محاصره گروه طالبان قرار گرفته است. دولت اما دست‌پاچه و بی‌برنامه است. حتا در بسیج نیروهای خیزش مردمی نیز دچار اختلاف نظر است. نیروهای داوطلب که به حمایت از دولت و ارتش سلاح برداشته بودند، نگران آینده شده‌اند. ترس آن‌ها این است که دولت به دلیل بی‌برنامه‌گی، پشت آن‌ها را خالی کند.

واضح است که دولت با این سهل‌انگاری، بی‌برنامه‌گی و دست‌پاچه‌گی رو به زوال خواهد رفت؛ اگرچه هیچ فرد متعهد به جمهوریت آرزوی چنین روزی را ندارد. با این وصف، واقعیت اما تلخ است. به مقام‌های دولتی باید نهنیب زد و تأکید کرد که تنها با عریه‌کشی و رجزخوانی، برنده جنگ نیست؛ باید برای مهار تهدیدات فزاینده به تعقل، دوراندیشی و برنامه برگردد.

بیش از هفت هزار خانواده در اثر جنگ در بدخشان آواره شده‌اند



۸صبح، کابل: ریاست مهاجرین و عودت‌کننده‌گان ولایت بدخشان گفته است که به علت خشونت‌ها و جنگ‌های اخیر در این ولایت بیش از هفت هزار خانواده مجبور به ترک خانه‌هایشان شده‌اند.

عبدالواحد طیبی، رییس مهاجرین و عودت‌کننده‌گان بدخشان، روز شنبه، دوازدهم سرطان، به روزنامه ۸صبح گفت که بر اثر جنگ‌های شدید در این ولایت، هزاران خانواده خانه‌هایشان را ترک کرده‌اند.

به گفته طیبی، این آواره‌گان از ولسوالی‌های کشم، بهارک، جرم، یقتل پایان، خاش، ارغنج‌خواه، ارگو و ساحاتی در شهر فیض‌آباد به مرکز ولایت بدخشان پناه آورده‌اند.

رییس مهاجرین و عودت‌کننده‌گان افزود که تنها در چند هفته اخیر به سبب تشدید جنگ‌ها

امریکا برای حمایت از نیروهای هوایی افغانستان در قطر یک پایگاه ایجاد می‌کند

۸صبح، کابل: وزارت دفاع آمریکا اعلام کرده است که بر بنیاد یک توافق جدید برای حمایت لوژستیک و پشتیبانی مالی از نیروهای امنیتی به ویژه نیروهای هوایی افغانستان یک مرکز فرماندهی در قطر ایجاد می‌کند.

جان اف کربی، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا، روز جمعه، یازدهم سرطان، گفت که این مرکز در قطر به منظور حمایت مالی از نیروهای امنیتی و دفاعی کشور به ویژه نیروی هوایی افغانستان ایجاد می‌شود.

سخنگوی وزارت دفاع آمریکا تصریح کرده است که برای حضور دیپلماتیک این کشور در افغانستان و پشتیبانی از نیروهای امنیتی، یک واحد نیروی جدیدی زیر نام «نیروهای امریکایی افغانستان رو به جلو» ایجاد شده است.

این نیروها در کابل مستقر خواهند شد و فرماندهی آن را پیتر وازلی، فرمانده نیروی دریایی آمریکا بر عهده دارد.

طبق اعلام پنتاگون، تأمین امنیت دیپلماتان امریکایی، کمک به تأمین امنیت میدان هوایی کابل، ادامه مشورت‌دهی و کمک به نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان در صورت ضرورت و اجرای عملیات‌های ضد تروریسم از مسوولیت‌های این فرماندهی خواهد بود.

از سویی دیگر، وزارت دفاع آمریکا می‌گوید که مسوولیت فرماندهی نیروهای امریکایی در افغانستان از اسکات میلر به کنت مک کنزی، فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده

امریکا موسوم به «سنکتام» سپرده می‌شود. طبق اعلام این وزارت، میلر وظایف و مسوولیت‌های نیروهای امریکایی در افغانستان را تا هفته‌های آینده به مک کنزی منتقل خواهد کرد.

کربی افزوده است که مک کنزی روند پشتیبانی لوژستیک، مالی و فنی از نیروهای امنیتی افغانستان و نیز عملیات‌های ضد تروریسم را پس از خروج سربازان امریکایی بر عهده خواهد داشت.

به گفته کربی، تغییر در ساختار رهبری نیروهای امریکایی در افغانستان و ترک کردن میدان هوایی بگرام، بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا، نشان‌دهنده حضور کم سربازان امریکایی در افغانستان است.

در همین حال، سخنگوی پنتاگون گفته است که خروج امن و منظم سربازان امریکایی از افغانستان، این کشور را قادر می‌کند تا حضور دیپلماتیک خود را برای حمایت از مردم و حکومت افغانستان و جلوگیری از مبدل شدن دوباره افغانستان به پناه‌گاه امن تروریسم حفظ کند.

به گفته کربی، بر اساس دستورالعمل تعیین شده از سوی رییس جمهور و وزارت دفاع آمریکا، سربازان این کشور تا پایان ماه اگست از افغانستان خارج خواهند شد.

از جانب دیگر کربی خاطر نشان کرده است که لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا، روز جمعه، یازدهم سرطان، در دیدار با همتای تاجیکستانی خود بر مبارزه مشترک با تروریسم، امنیت سرحدات و پیش‌برد یک فضای سیاسی با دوام در افغانستان تأکید کرده است.

سفارت امریکا به طالبان:

صلح با خشونت و ترور تأمین نمی‌شود

طالبان برای ترساندن، تهدید و حمله به افغان‌ها در شبکه‌های اجتماعی تبلیغات خشونت‌آمیز و سخنان نفرت‌برانگیز نشر می‌کنند.

سفارت امریکا در کابل در روزهای اخیر به صورت مکرر از عمل‌کرد طالبان در کشور انتقاد می‌کند. این سفارت روز گذشته طالبان را متهم کرد که در مناطق تحت تصرف خود رسانه‌ها را سرکوب کرده‌اند، تا خشونت‌هایشان پنهان بماند.

گروه طالبان به این موضوع واکنش نشان داد و تأکید کرد که سفیر امریکا در کابل باید به کار خود برسد و در افغانستان «پولیسی» نکند.

۸صبح، کابل: سرپرست سفارت امریکا در کابل خطاب به طالبان گفته است که صلح با خشونت و ترور تأمین نمی‌شود.

راس ویلسون، سرپرست سفارت امریکا در کابل روز شنبه، دوازدهم سرطان، در توییته به نقل از ایان مک کری، معاون خود نوشته است که



فرداختلاف‌گز:

با پول آدم‌ربایی قصد داشتیم مدرسه بسازم

۸صبح، هرات: در پی عملیات نیروهای امنیت ملی هرات، دو گروه حرفه‌ای آدم‌ربایی بازداشت و متلاشی شدند. مقام‌های محلی این ولایت می‌گویند که اعضای این دو گروه تبهکار ۱۱ نفر هستند و در چندین مورد آدم‌ربایی دست داشته‌اند.

عبدالصبور قانع، والی هرات، روز شنبه، دوازدهم سرطان، در یک نشست خبری گفت که یکی از این گروه‌ها یک عالم دین را از ولسوالی گذره هرات ربوده بودند و این فرد نیز در جریان عملیات نیروهای امنیت ملی رها شده است.

یکی از اعضای گروه آدم‌ربایی ادعا دارد که قصد داشت با پول دریافتی از ربودن عالم دین مدرسه بسازد. او افزود با ساختن مدرسه از پول آدم‌ربایی، برای فرد ربوده شده هم پاداش اخروی کسب می‌شود.

سیدمحمد موسوی‌نژاد، عالم دینی که از شهرک کوثر ولسوالی گذره هرات ربوده شده بود، می‌گوید که ۲۳ شبانه‌روز در قید ربایندگان بود و آنان برای آزادی او مبلغ ۵۰۰ هزار دالر امریکایی درخواست کرده بودند.

چهار تن از افراد بازداشت شده سرگروه‌های اختطاف‌گران هستند و در چندین واقعه آدم‌ربایی از جمله ربودن یک کودک و یک داکتر اعتراف کرده‌اند. مقام‌های محلی هرات اطمینان می‌دهند که تلاش برای رهایی سه فردی که در حال حاضر نزد آدم‌ربایان هستند جریان دارد و آنان به زودی رها خواهند شد.

این در حالی است که به تازه‌گی پس از آن که آدم‌ربایان پسر یک صراف را در هرات ربودند و پدر و خواهرش را با شلیک گلوله زخمی کردند، سه مقام ارشد امنیتی از سوی والی هرات برکنار شدند.



اداره تنظیم امور زندان‌ها: زمری پیکان برای تحقیقات به امنیت ملی سپرده شده است

۸صبح، کابل: اداره تنظیم امور زندان‌ها می‌گوید که زمری پیکان، فرمانده پیشین پولیس امن و نظم عامه کشور که در زندان مرکزی محبوس است، برای تحقیقات به امنیت ملی منتقل شده است.

شایع شده است که زمری پیکان از زندان رها شده است.

صفی‌الله جلال‌زی، رییس مطبوعات و روابط عامه اداره تنظیم امور زندان‌ها، روز شنبه، دوازدهم سرطان، به روزنامه ۸صبح گفت که زمری پیکان در بند دولت و امنیت ملی است. به گفته او، زمری پیکان طبق اصول و قوانین نافذ کشور و برای تکمیل تحقیقات بیشتر توسط ارگان‌های عدلی و قضایی رسماً از سوی اداره تنظیم امور زندان‌ها به امنیت ملی تسلیم داده شده است.

جلال‌زی می‌گوید که اداره تنظیم امور زندان‌ها مسوولیت نگهداری زندانی‌ها را بر عهده دارد و در صورتی که ادارات کشفی عدلی و قضایی خواستار اجراءات قانونی، رسیدگی و طی مراحل اسناد مجرمان برای تحقیق بیشتر باشند، زندانیان به این ادارات سپرده می‌شوند. گفتنی است که زمری پیکان در یکم سنبله سال گذشته از سوی پولیس پس از سه سال تعقیب و گریز بازداشت شد. او در هشتم ماه میزان ۱۳۹۹ به سه سال زندان محکوم به مجازات شد.

یک سال پیش از آن محمداشرف غنی، رییس جمهور در نشست سالانه مبارزه با فساد اداری به وزارت امور داخله دستور داده بود که زمری پیکان را به صورت فوری بازداشت کند.

رییس جمهور غنی بازداشت نشدن زمری پیکان را ضربه‌ای به شهرت و اراده سیاسی دولت برای مبارزه با فساد عنوان کرده بود.

زمری پیکان سه سال پیش از سوی مرکز عدلی و قضایی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری، به اتهام سوء استفاده از صلاحیت‌های وظیفه‌ای در وزارت داخله و اتهام همکاری با پسرش در یک قتل، به هشت‌ونیم سال زندان محکوم شده بود.

طرح تخلیه اضطراری سفارت امریکا در کابل روی میز است

با این حال، مقام‌های امریکایی تاکید کرده‌اند که نیاز فوری برای تخلیه سفارت نیست و هنوز این برنامه نهایی نشده است، اما فوریت این برنامه همچنان مطرح است. مقام‌های امریکایی به وال استریت ژورنال گفته‌اند که برای اجرای این برنامه، ارتش در حال هماهنگی با وزارت امور خارجه این کشور است.



حسین سیدری

رسیدن جنگ به دروازه‌های شهر، مقام‌های امریکایی را واداشته است تا کار روی برنامه احتمالی تخلیه سفارت این کشور در کابل را شدت ببخشند. وال استریت ژورنال، روزنامه معتبر امریکایی، گزارش کرده است که مقام‌های امریکایی به دلیل نگرانی از بدتر شدن اوضاع امنیتی در افغانستان که ممکن جان نیروهای باقی‌مانده، دیپلمات‌ها و سایر شهروندان امریکایی را به خطر

بیندازد، کار روی برنامه احتمالی تخلیه سفارت این کشور در کابل را شدت بخشیده است. براساس گزارش این روزنامه، با تخلیه سفارت امریکا در کابل نه تنها کارمندان این سفارت، بلکه ممکن هزاران امریکایی دیگر نیز از افغانستان بیرون کشیده شوند. مجلس نمایندگان امریکا روز سه‌شنبه گذشته، طرحی را برای تسریع رسیده‌گی به تقاضانامه ویزای مهاجرت افغان‌هایی که برای نیروهای امریکایی کار کرده‌اند، تصویب کرده است. براساس این طرح، دولت امریکا هزاران نفر از آن‌ها را پیش از خروج نیروهایش تا ۱۱ سپتامبر از افغانستان

بیش‌تری انجام خواهد شد، اما نگرانی من این است که آن‌ها مسایل داخلی میان خودشان دارند و به خاطر بقای حکومت به حمایت داخلی نیاز دارند.»

آخرین سرباز امریکایی روز جمعه، ۱۱ سرطان، از پایگاه نظامی بگرام بیرون شد. پیش از این عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی، در ششمین نشست این شورا در ارگ ریاست جمهوری خطاب به رهبری حکومت و شخصیت‌های سیاسی و جهادی نیز گفته بود که با حمایت از نیروهای امنیتی و جمهوری اسلامی افغانستان، بقای کشور را تضمین کنند. آقای عبدالله در این نشست هم‌چنان گفته بود که جنگ به دروازه‌های شهر رسیده است و آنان در برابر این وضعیت خاموش بوده نمی‌توانند. در حال حاضر جنگ در بیش‌تر ولایت‌ها جریان دارد. طالبان تا پایان روز گذشته تنها هشت ولسوالی ولایت بدخشان را سقوط دادند. درگیری پراکنده در مرکز بدخشان نیز به صورت موقتی جریان دارد.

در کنار بدخشان، جنگ در ولایت‌های تخار، سرپل، فاریاب و غزنی نیز ادامه دارد. در جریان دو ماه حدود صد ولسوالی به دست طالبان سقوط کرده و شماری اندک از این ولسوالی‌ها از سوی نیروهای امنیتی و خیزش‌های مردمی دوباره گرفته شده است. ایالات متحده امریکا در حالی از تخلیه احتمالی سفارتش در کابل خبر می‌دهد که پیش‌تر در سفر هیات افغانستان به واشنگتن، مقام‌های ارشد امریکایی از ادامه حضور غیرنظامی‌شان در افغانستان اطمینان داده بودند.

جو بایدن، رییس جمهور ایالات متحده امریکا، در دیدار با غنی تاکید کرده بود که بیرون شدن نیروهای امریکایی از افغانستان، به معنای پایان همکاری‌ها و روابط دوستانه میان دو کشور نیست، بلکه ایالات متحده همچنان به کمک‌های خود در عرصه‌های مختلف برای افغانستان ادامه می‌دهد.

در رابطه به برنامه احتمالی تخلیه سفارت امریکا در کابل، کوشش کردیم نظر وزارت خارجه و ارگ ریاست جمهوری را هم داشته باشیم، اما با وجود تماس‌های پی‌پی‌هم، موفق نشدیم.

بیرون می‌کند. با این حال، مقام‌های امریکایی تاکید کرده‌اند که نیاز فوری برای تخلیه سفارت نیست و هنوز این برنامه نهایی نشده است، اما فوریت این برنامه همچنان مطرح است. مقام‌های امریکایی به وال استریت ژورنال گفته‌اند که برای اجرای این برنامه، ارتش در حال هماهنگی با وزارت امور خارجه این کشور است. یک مقام امریکایی به وال استریت ژورنال گفته است: «این برنامه قطعی نیست، بلکه یک احتمال است.» پیش از این سفارت استرالیا در کابل نیز اعلام کرده بود که به دلیل وضعیت نامعلوم امنیتی در افغانستان، تصمیم گرفته شده است که سفارت این کشور در کابل تعطیل شود.

مقام‌های امریکایی گفته‌اند که هرچند جزئیات این برنامه طبقه‌بندی شده و محرم است، اما ایالات متحده در حال استقرار چرخ‌بال‌ها و خدمه‌های آنان در میدان هوایی کابل است تا از این تجهیزات برای بخشی از برنامه تخلیه استفاده شود. به نقل از گزارش، این آماده‌گی‌ها بخشی از برنامه خروج نیروهای امریکایی از افغانستان است. وزارت دفاع امریکا اعلام کرده است که روند خروج نیروهای این کشور از افغانستان تا پایان ماه اگست تکمیل خواهد شد.

با وجود این نگرانی‌ها، ایالات متحده امریکا اطمینان داده است که رهبری دولت افغانستان ظرفیت ادامه کار حکومت را دارد. جو بایدن، رییس جمهور امریکا، در یک نشست خبری گفته است که حکومت افغانستان توانایی ادامه کارش را دارد، اما او بر ضرورت حمایت داخلی از حکومت افغانستان نیز تاکید کرده است.

بایدن گفته است: «ما بیست سال آن‌جا بودیم. من در قصر سفید با رهبران افغان صحبت کردم. فکر می‌کنم آن‌ها توانایی این را دارند که از حکومت محافظت کنند. من فکر می‌کنم در آینده مذاکرات

بی‌آب و بی‌نان؛

آواره‌گان جنگ در بلخ: بیچاره شدیم



شکیبای سعیدی

را ترک کرده و به شهر مزارشریف که امنیت نسبتاً خوب دارد، بیایند.»

آمارهای ابتدایی ریاست امور مهاجرین در بلخ نشان می‌دهد که در چند روز اخیر حدود ۶۰۰ خانواده از ولسوالی‌های ولایت بلخ به شهر مزارشریف پناه آورده‌اند که شمارشان در حال افزایش است و تعداد زیادی از خانواده‌ها به خانه‌های اقارب و نزدیکان خود رفته‌اند.

فقر و بیکاری از مشکلات دیگری است که زنده‌گی را برای این بی‌جا شده‌گان دشوار کرده است. شماری از آنان می‌گویند که جنگ دار و ندار زنده‌گی‌شان را از آنان گرفته است.

بی‌بی حمیده پنجاه‌ساله از دیگر بی‌جا شده‌گان جنگ از ولسوالی بلخ ولایت بلخ است که این‌جا در شهر مزارشریف پناه‌گزین شده است. بی‌بی حمیده به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «این چه وضعیت است. طیاره زد. طالب همه‌جا را ویران کرد. تمام نفرهای ما را کشتند. گریخته آمدیم، هیچ چیز برای خوردن نداریم گشنه و تشنه در خیمه نشستیم. خدا به کمک ما برسد.»

رییس امور مهاجرین بلخ می‌گوید که در حد توان برای بی‌جا شده‌گان کمک صورت گرفته، اما وی تایید می‌کند که وضعیت آنان نامناسب است. آقای قادری می‌گوید که ریاست امور مهاجرین همیشه کوشش می‌کند تا با همکاری موسسات مربوط به این بی‌جا شده‌ها کمک‌های لازم را برساند.

با این حال اکثر این بی‌جا شده‌گان از حکومت و طالبان می‌خواهند تا جنگ را کنار گذاشته و برای آوردن صلح تلاش کنند تا زمینه برگشت آنان به مناطق شان فراهم شود.

ولایت بلخ در شمال افغانستان از ولایت‌های نسبتاً امن به شمار می‌رفت، اما طالبان با تحرکات‌شان در دو هفته اخیر کنترل هشت ولسوالی را به دست گرفتند. هرچند عملیات‌های تصفیه‌ای به رهبری عطامحمد نور، فرماندهان محلی و نیروهای بسیج مردمی با نیروهای امنیتی جریان دارد، اما تا هنوز مشخص نیست که چه زمانی دوباره این شش ولسوالی تحت کنترل نیروهای امنیتی درمی‌آید.

داریم، بی‌بی نان، نی چیز دیگری داریم. در این هوای گرم زیر یک خیمه پارچه‌ای زنده‌گی می‌کنیم. چه قسم کنیم، از این بعد کجا برویم. خانه خود را از دست دادیم، اولاد خود را از دست دادیم. از دو طرف جنگ است، هم دولت می‌زند، هم طالب. در این وسط ملت در به‌در و خاک‌بسر است.»

غلام‌سخی که از جنگ بیزار است، می‌گوید: «ما از خداوند می‌خواهیم که یک صلح دوام‌دار را در کشور ما برقرار کند و مردم بتوانند دوباره به ولسوالی‌ها و قشلاق‌های خود برگردند و به کار و غریبی خود مشغول باشند.»

با این حال مسوولان ریاست امور مهاجرین در بلخ می‌گویند که بیش‌تر بی‌جا شده‌ها از ولسوالی‌هایی هستند که در حال حاضر در آن‌جا جنگ جریان دارد یا هم به کنترل گروه طالبان درآمده است.

سیدمسعود قادری، رییس امور مهاجرین بلخ، به روزنامه ۸ صبح گفت: «متأسفانه در این اواخر به دلیل جنگ‌هایی که در ولسوالی‌های ولایت بلخ وجود دارد، اکثر خانواده‌ها مجبور شده‌اند تا خانه‌های‌شان

آن در همان‌جا ماند. گشنه و تشنه همین طرف فرار کردیم و برآمدیم.» بدل‌باقی با چهره خسته از جنگ و لبان خشک ادامه می‌دهد: «نمی‌دانم چه خواهد شد. تا چه وقت ای‌قسم آواره و بی‌چاره می‌گردیم. خدا کنه دولت صلح را ببارد تا ما پس به قشلاق خود برگردیم و در خانه خود زنده‌گی کنیم و ای قسم گشنه و تشنه نماییم.»

در حال حاضر، از چهارده ولسوالی بلخ، ولسوالی‌های زارع، چهاربولک، دولت‌آباد، بلخ، شولگره، کشنده، شورتیه، چمتال و کلدان این ولایت تحت کنترل گروه طالبان قرار دارد. غلام‌سخی، یک بی‌جا شده دیگر، از ولسوالی شورتیه بلخ به شهر مزارشریف آمده است. این ولسوالی، جایی است که چند روز قبل عطامحمد نور با نیروهای امنیتی و خیزش‌های مردمی برای پاک‌سازی آن از وجود طالبان به این ولسوالی آمده بودند، اما به دلیل فرس کردن ماین‌ها از سوی طالبان بر سر راه‌شان و از بین رفتن وسایل تیم تطهیر به دلیل انفجار ماین، نتوانستند به پیش بروند.

غلام‌سخی به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «نی آب

سقوط ولسوالی‌ها و افزایش ناامنی، جنگ و خشونت در بیش‌تر ولسوالی‌های ولایت بلخ، باشندگان این ولسوالی‌ها را مجبور کرده است تا خانه و کاشانه‌شان را ترک کنند و به شهر مزارشریف پناه بزنند. دهه‌ها خانواده، در حومه شهر مزارشریف خیمه زده‌اند و دشوارترین روزهای زنده‌گی‌شان را سپری می‌کنند.

این بی‌جا شده‌ها که جنگ همه چیز را از آنان گرفته است، از حکومت می‌خواهند تا برای‌شان مکان بودوباش و کمک‌های غذایی فراهم کند. با این حال مسوولان در ریاست امور مهاجرین بلخ می‌گویند تا اکنون در حدود ۶۰۰ خانواده از ولسوالی‌های ولایت بلخ به شهر مزارشریف بی‌جا شده‌اند و با گذشت هر روز بر شمارشان افزوده می‌شود.

بدل‌باقی، خانمی که حدود ۴۰ سال سن دارد، یکی از این بی‌جا شده‌ها است که از ولسوالی دولت‌آباد بلخ به شهر مزارشریف آمده است. بدل‌باقی حکایت آواره شدنش را به روزنامه ۸ صبح این‌گونه بیان می‌کند: «در قشلاق ما جنگ شد. طیاره‌ها زد. طالب گرفت، آواره شدیم. نصف داشته‌های خود را آوردیم و نصف



امنیت باید محلی شود



دیگری مانع پیش‌روی آنان شده نمی‌تواند. در غیاب نیروهای بین‌المللی که طی بیست سال گذشته همکار و حامی جمهوری بودند، نیاز است که حکومت کابل و سران ارتش شیوه جنگ با گروه طالبان را بازبینی کنند. حالا که افغانستان در وضعیت دشواری قرار گرفته، نیاز است که استراتژی جنگ و آرایش نیروهای امنیتی کشور تغییر کند. یکی از ضرورت‌ها و نیازهای کنونی جنگ برای پیروزی در برابر طالبان و نگهداری محلات، محلی شدن امنیت است. منظور از محلی شدن امنیت، این است که تمامی نیروهای امنیتی مسوول تأمین امنیت مناطق خودشان باشند. نیروهای امنیتی در اراضی توظیف شوند که با آن آشنا هستند. این طرح برای یک وضعیت جنگی و وخیم مناسب است. با قطعیت می‌توان گفت که آن‌عه از سربازانی که میدان‌های جنگ را در جنوب ترک می‌کنند، در مناطق شمال مقاومت و از ده و

پس از شروع روند خروج نیروهای بین‌المللی و واگذاری مسوولیت‌ها به ارتش افغانستان، گروه طالبان علی‌رغم امضای توافق‌نامه با ایالات متحده آمریکا بر میزان خشونت‌ورزی و حملاتش افزوده است. حملات این گروه از شروع سال ۱۴۰۰ به گونه بی‌پیشینه‌ای افزایش یافته است که این دلالت بر عدم تعهد آن‌ها به صلح و مذاکره دارد. از تحرکات اخیر طالبان در شمال فهمیده می‌شود که این گروه بر غلبه نظامی در میدان جنگ چشم دوخته است و تصور می‌کند که از طریق جنگ قادر است بر تمامی بخش‌های کشور حاکم شود. در حال حاضر، طالبان با همکاری‌های پیدا و پنهان گروه‌های داخلی و خارجی، از خروج نیروهای بین‌المللی استفاده روانی می‌کنند. رهبران این گروه برای نیروهای داخلی و خارجی از پیروزی در برابر ایالات متحده آمریکا سخن می‌گویند. طالبان در داخل افغانستان خروج آمریکایی‌ها را این‌گونه تفسیر می‌کنند که گویا هیچ گروه یا قدرت

در غیاب نیروهای بین‌المللی که طی بیست سال گذشته همکار و حامی جمهوری بودند، نیاز است که حکومت کابل و سران ارتش شیوه جنگ با گروه طالبان را بازبینی کنند. حالا که افغانستان در وضعیت دشواری قرار گرفته، نیاز است که استراتژی جنگ و آرایش نیروهای امنیتی کشور تغییر کند. یکی از ضرورت‌ها و نیازهای کنونی جنگ برای پیروزی در برابر طالبان و نگهداری محلات، محلی شدن امنیت است.



حبیب حبیژاده

جنگ هر روز در حال تشدید و اوضاع عمومی رو به وخامت است. ولسوالی‌ها در ولایت‌های مختلف کشور هر روز میان نیروهای دولتی و گروه طالبان دست به دست می‌شود. تلفات در هر دو جبهه بی‌پیشینه است. ماه گذشته خونین‌ترین ماه در بیست سال اخیر گفته شده است. در چنین وضع و حالی، حامیان بیرونی دولت یا افغانستان را ترک کرده‌اند و یا در حال ترک کشور هستند. دولت‌های حامی جمهوری دیگر در میدان‌های جنگ علیه طالبان نخواهند جنگید و فقط به همکاری و کمک‌های شان با روش‌های دیگر ادامه خواهند داد. خروج نیروهای خارجی برای طالبان روحیه جنگی بخشیده و این گروه هر روز در حال پیش‌روی است.

عوامل تشدید جنگ در ولسوالی خوست و فرنگ

هم‌زمان با روند خروج نیروهای خارجی از افغانستان، شمال و شمال‌شرق کشور بدل به کوره آتش میان طرف‌های درگیر شده است. خوست و فرنگ یکی از ولسوالی‌های شمال‌شرقی کشور است که در ولایت بغلان موقعیت دارد و همانند بسیاری از ولسوالی‌های دیگر در چند روز اخیر گواه جنگ‌های شدیدی بوده است. این ولسوالی از سمت شرق با ولسوالی ورسج تخار، از غرب با ولسوالی‌های جلگه و ده صلاح بغلان، از سمت شمال با ولسوالی‌های فرنگ و غارو و گذرگاه نور بغلان و از سمت جنوب با ولسوالی پل حصار بغلان و پرویان پنجشیر هم‌مرز است.



بهریز کیوان

گذشته پایگاه‌های مقاومت بوده است و مردمان این مناطق از مخالفان تاریخی طالبان دانسته می‌شوند. از آن جمله، می‌توان از اشغال مناطق ماورای کوچه، اشغال چمن خُسه فرخار و اشغال مرکز ولسوالی خوست و فرنگ طی چند روز گذشته به دست طالبان یاد کرد. این گروه هم در گذشته و هم حالا در این مناطق نزد مردم منفور بوده است و هیچ جایگاهی ندارد. با این حال، طالبان با اتکا بر فشار نظامی در برابر مردم عام، ایجاد رعب و ترس در میان آنان و کشتار افراد ملکی می‌خواهند بر مناطق یادشده مسلط شوند. فساد گسترده و خویش‌خوری در ادارت محلی با آن‌که از مدت‌ها به این‌سو مردم را رنج داده است؛ اما در این اواخر در ولسوالی خوست و فرنگ به اوج خود رسیده بود. همین امر سبب شد تا طالبان مرکز این ولسوالی را همانند بسیاری از ولسوالی‌های دیگر در شمال کشور، بدون هیچ‌گونه درگیری نظامی به تصرف خویش درآورند. یعنی نزد مسوولان با صلاحیت اداره محلی هیچ انگیزه‌ای برای دفاع از مردم وجود نداشت و مردم نیز هیچ تعلق خاطری نسبت به مسوولان اداری این ولسوالی نداشتند. ولسوال، فرمانده امنیه و دیگر کارمندان دولتی چند ساعت پیش از ورود طالبان به ساختمان ولسوالی، ساختمان را تخلیه و ساحه را ترک کرده بودند. این در حالی است که ولسوال خوست و فرنگ، کاکای معاون والی بغلان نیز است. مردم اکنون

می‌پرسند وقتی دولت آغشته به خویش‌خوری و فساد است، چرا آن‌ها طعمه دشمن شوند؟ هدف اصلی طالبان برای گسترش ساحه نفوذشان، کسب امتیاز بیش‌تر در میز مذاکرات صلح است. این گروه با سلاحی و کشتار مردم و تسلط بر جغرافیای آن‌ها، می‌خواهد در آینده در میز مذاکرات امتیاز بیش‌تری به دست آورد. آن‌ها برای رسیدن به این هدف در تپانی با مراکز و شوره‌های شان در پاکستان، نیروی نظامی بیش‌تری را استخدام کرده و به جنگ فرستاده‌اند. به گونه مثال، گفته می‌شود که تعداد جنگ‌جویان طالبان در ولسوالی خوست و فرنگ در حال حاضر چیزی در حدود سه صد تن مجهز با سلاح‌ها و تجهیزات پیش‌رفته است. پس از سقوط مرکز ولسوالی خوست و فرنگ به دست طالبان و فرار نیروهای دولتی از محل، مردم زیر نام خیزش مردمی در دفاع از خانه و کاشانه‌شان بسیج شده و با اندک امکانات دست‌داشته‌شان در برابر طالبان ایستاده‌اند. بنابراین، اگر در آینده حاکمیت نظامی ولسوالی خوست و فرنگ دست طالبان باشد، در مذاکرات صلح حاکمیت سیاسی آن نیز به طالبان واگذار خواهد شد. در غیر آن، قضیه برعکس خواهد بود.

طالبان با اشغال خوست و فرنگ یکی از راه‌های مواصلاتی امن و مصون میان دره‌های هندوکش را قطع یا مختل خواهند کرد. خوست و فرنگ، ولایت

پنجشیر، یکی از مراکز تاریخی مقاومت افغانستان را به دو شهر مهم شمال‌شرقی وصل می‌کند. مسیر نخست از ولسوالی‌های پرویان، خوست، گذرگاه نور، اشکمش، چال، تالقان و مسیر دومی نیز از ولسوالی‌های پرویان، خوست، جلگه، نهرین و پلخمری می‌گذرد. اگر چه میان ولسوالی پرویان پنجشیر و ولسوالی خوست و فرنگ بغلان راه موثر رو وجود ندارد؛ اما در گذشته شمار زیادی از نیروهای مقاومت ضد طالبان به وسیله اسب و خر یا با پای پیاده برای برقراری ارتباط یا برای رفع ضرورت از همین راه عبور و مرور می‌کردند. بنابراین، با تسلط کامل طالبان بر ولسوالی خوست و فرنگ، یکی از مسیرهای ارتباطی مهم میان مراکز مقاومت (تخار - پنجشیر) به دست طالبان خواهد افتاد و این سقوط صدمه بزرگی بر پیکر جنبش مقاومت وارد خواهد کرد. با اشغال خوست و فرنگ توسط طالبان حلقه محاصره بر ولایت پنجشیر تنگ‌تر خواهد شد. چنان‌که دیده می‌شود، استراتژی جدید جنگی طالبان این بار به محاصره کشاندن مراکز ولایات و مناطق مهم افغانستان است. از آن میان، یکی از مناطق مهم مورد نظر طالبان، می‌تواند ولایت پنجشیر باشد. پنجشیر با ولسوالی‌های نجراب، کوه‌بند و حصه اول کوهستان کاپیسا، سالنگ و جبل سراج پروان، اندارب، پل حصار و خوست و فرنگ بغلان، ورسج تخار، کران و منجان بدخشان، مندول نورستان و دولت‌شاه لغمان هم‌مرز است. براساس نقشه «تیم نظارت بر تقسیم‌های سازمان ملل برای افغانستان»، تاکنون ولسوالی نجراب کاپیسا، پل حصار، خوست و فرنگ بغلان، ورسج تخار و کران و منجان بدخشان میدان نبرد میان طالبان و دولت است. ولسوالی مندول نورستان و ولسوالی دولت‌شاه لغمان کاملاً در کنترل طالبان قرار دارد. ولسوالی‌های جبل سراج و سالنگ پروان، کوه‌بند و حصه اول کاپیسا و اندراب بغلان در کنترل دولت قرار دارد. یعنی هفت ولسوالی در اطراف پنجشیر یا در حال نبرد با طالبان هستند و یا به دست این گروه اشغال شده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که با اشغال کامل ولسوالی خوست و فرنگ، حلقه محاصر بر پنجشیر تنگ‌تر خواهد شد و ولسوالی‌های پل حصار و اندراب نیز در خطر سقوط قرار خواهد گرفت.

مردم در نتیجه این جنگ‌ها کشته، زخمی و آواره شده‌اند. با این حال برای تغییر وضعیت به سود دولت و مردم، تنها راه باقی‌مانده، تجهیز و اکمال نیروهای خیزش مردمی در حال جنگ با طالبان است؛ زیرا به گفته مردم، طالبان از سلاح و امکانات برتری نسبت به نیروهای خیزش مردمی در این ولسوالی برخوردار هستند.



+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان



شرکت خدمات IT برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیجیتال (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)



+93777690909

info@bartartech.com

+93787935900

www.bartartech.com

کوته سنگی، کولابی دواخانه، کابل افغانستان

آشپزخانه مادر



تهیه غذاهای با کیفیت با نازل ترین قیمت
برای محافل رسمی و شخصی

آشپزخانه مادر یکی از مدرن ترین و پیشرفته ترین آشپزخانه‌های پایتخت است که افتخار دارد برای اولین بار در افغانستان با ویژگی‌های منحصر به خودش به فعالیت آغاز نموده است. آشپزخانه مادر افتخار دارد که بهترین و باکیفیت‌ترین غذاهای داخلی و خارجی را با مجرب ترین آشپزها برای محافل رسمی و شخصی، مهمانی‌ها و دعوت‌ها، ورکشاپ‌ها و سمینارها با انتقال رایگان به اسرع وقت با نازل ترین قیمت در خدمت مشتریان عزیز قرار دارد. ما در تلاش هستیم تا با ارائه خدمات صادقانه و متفاوت از دیگران اعتبار و رضایت مشتریان محترم‌مان را کسب کنیم و باورمندیم که گنجی با ارزش‌تر از رضایت و خدمت صادقانه برای همشهریان ما وجود ندارد.

شماره‌های تماس: ۰۷۷۰۶۷۶۴۶۵ - ۰۷۰۷۱۳۱۳۲۶

آدرس: سرک اول کارته چهار، کوچه لیسه عالی رابعه بلخی

شفاخانه آینه صحت

کاشت مو طبیعی به روش FUE

تخفیف ویژه
۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیرحسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

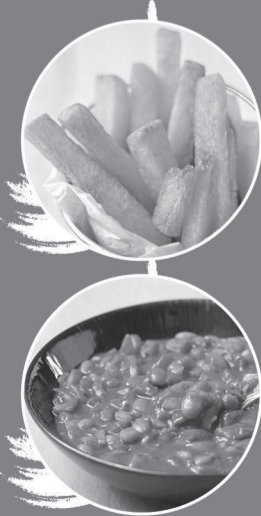
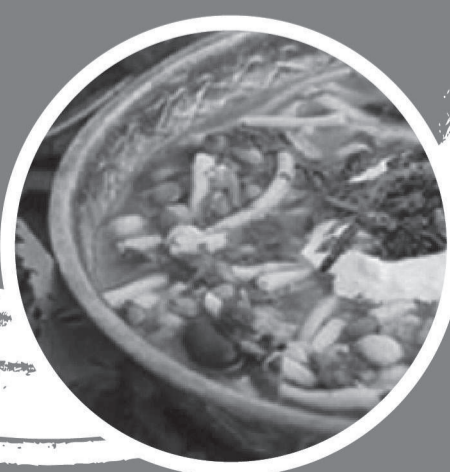
آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت

شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰

آشردلیذیر

یک بار امتحان کنید
بار بار نوش جان

آدرس: جاده بابہ مزاری، مهتاب قلعه، روبروی شفاخانه محمدعلی جناح، جوار دانشگاه رابعه بلخی
شماره تماس: ۰۷۷۵۲۰۷۳۶۸



خ مثل خشونت جنسی و جنسیتی

◆ بنیاد آرمان‌شهر

در «فرهنگ واژه‌گان خشونت جنسی و جنسیتی: از الف تا ی» که فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (FIDH) آن را تدوین و انتشارات آرمان‌شهر به تازه‌گی آن را به زبان فارسی ترجمه و منتشر کرده، آمده است: خشونت جنسی را بایستی به عنوان مقوله گسترده از اعمال دارای ماهیت جنسی درک کرد. به این ترتیب، خشونت جنسی را اغلب با اشاره به لیست غیرجامعی از نمونه اقدام‌هایی می‌توان تعریف کرد که بدون رضایت واقعی و یا با استفاده از زور یا در شرایط اجبار رخ دهد. این اقدام‌ها را می‌توان خشونت جنسی محسوب کرد، مانند تجاوز جنسی، برده‌داری جنسی، فحش‌ای اجباری، ازدواج اجباری، برهنه‌گی اجباری و هرگونه اعمال دیگری دارای ماهیت جنسی. هر نوع اعمال خشونت جنسی نقض سلامت کامل جسمی و روانی فرد و استقلال شخصی و نوعی خشونت مبتنی بر جنسیت است.

در تعریف خشونت جنسیتی (Gender) آمده: خشونت جنسیتی، از جمله تبعیض، خشونت است که شخصی علیه شخص دیگری به دلیل جنسیت واقعی یا تصویری او مرتکب می‌شود و به میزان نامتناسبی بر یک گروه جنسیتی تأثیر می‌گذارد. این اصطلاح عمومی است که طیف گسترده‌ای از اعمالی با ماهیت‌های متفاوت، از جمله جنسی، جسمی، روانی، عاطفی، اداری، اقتصادی و ساختاری را دربرمی‌گیرد. اگرچه زنان و دختران قربانیان اصلی چنین خشونت‌هایی هستند، همه جنسیت‌ها (مونث، مذکر و ...)، از جمله پسران و مردان، نیز می‌توانند قربانی چنین خشونت‌هایی قرار بگیرند. بنابراین، مهم است که از «خشونت جنسیتی» و «خشونت علیه زنان» به جای یک‌دیگر استفاده نشود. خشونت جنسی و جنسیتی پیچیده است؛ زیرا به طور مستقیم با سازوکار و هنجارهای قدرت اجتماعی و سیاسی مانند نابرابری جنس‌ها، مردسالاری، تبعیض‌های دیرینه، تصورات غلط، افسانه‌ها و کلیشه‌های همراه آن‌ها پیوند خورده است؛ این هنجارها هم‌چنان وجود دارد و شمال تا جنوب جهان را فرا گرفته است.

از سوی دیگر، با خشونت‌های جنسی و جنسیتی در دو سطح بسیار متناقض برخورد می‌شود. به این معنا که اگرچه در سطح خانواده‌گی و اجتماعی عموماً قربانیان این نوع خشونت‌ها به بدترین شکل ممکن، با برچسب‌زنی، ننگ، عار و بدنامی روبه‌رو و از جامعه طرد می‌شوند؛ اما در سطح عدلی و قضایی، این خشونت‌ها به عنوان جرم، عموماً نادیده گرفته و یا کم‌اهمیت شمرده می‌شود و اکثریت قاطع مرتکبان آن از مصونیت از مجازات برخوردار هستند. نه تنها

در کشورهای محافظه‌کار که در بسیاری از کشورها، مستندسازی، تحقیق و پی‌گیری قانونی این جرم‌ها و تعدی‌ها، هم‌چنان در سطح بسیار نازلی انجام می‌گیرد.

خشونت‌های جنسی و جنسیتی نه تنها در دوران صلح و پشت درهای بسته در خانه‌ها و مکان‌های عمومی و خصوصی رخ می‌دهد؛ بلکه در جنگ‌ها و درگیری‌ها نیز به عنوان ابزار جنگی به صورت سیستماتیک مورد استفاده قرار می‌گیرد. علی‌رغم جهان‌شمول بودن انواع خشونت‌های جنسی و جنسیتی، هنوز هم در بسیاری از کشورها و زبان‌ها، واژه‌گان دقیق برای نام‌گذاری و درک مشترکی برای توصیف آن‌ها، وجود ندارد. مبارزه با خشونت جنسی و جنسیتی درک دقیق و استفاده از واژه‌گان مناسب را ضروری می‌کند. لازم است استفاده از واژه‌ها، مفهوم‌ها و اصطلاح‌ها، یعنی زبان کاربردی برای گفت‌وگو درباره خشونت جنسی و بیان تجربه‌های قربانیان و بازمانده‌گان، بر معیارهای بین‌المللی استوار باشد تا بتوان از دستاوردها و راه‌حل‌های جهانی که با زحمت مدافعان حقوق بشر و کوشنده‌گان عدالت، به دست آمده است، استفاده کرد.

فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (FIDH)، قدیمی‌ترین سازمان حقوق بشری جهان که به زودی ۱۰۰ ساله‌گی خود را جشن می‌گیرد و ۱۹۲ سازمان عضو از ۱۱۷ کشور جهان را گرد هم آورده است، بر پایه ارتباط با فعالان پرشمار در جنبش ریشه‌کن کردن خشونت جنسی و جنسیتی تصمیم گرفت که «فرهنگ واژه‌گان خشونت جنسی و جنسیتی» را تهیه کند تا تعریف‌های اساسی حداقلی را که آشنایی فعالان با آن‌ها در هنگام فعالیت در زمینه جنایت‌ها یا تعدی‌های جنسی و جنسیتی و ارتباط با قربانیان و شاهدان این جنایت‌ها ضروری است، شناسایی و تشریح کند. این واژه‌نامه با راهنمایی گیسو جهانگیری، نایب رییس فدراسیون و رییس اجرایی بنیاد آرمان‌شهر/OPEN ASIA تدوین و اجرا شده است و تهیه آن نقطه شروعی است برای توضیح واژه‌های اساسی، حقوق، معیارها و مفاهیم دیگری که اغلب ناشناخته، مورد سوءتفاهم یا استفاده غلط است. این واژه‌نامه که تعریف ۶۱ واژه را دربر گرفته، براساس معیارهای بین‌المللی موجود تنظیم شده است تا در سطح جهانی قابل استفاده باشد؛ حتا اگر برخی از کشورها تعریف‌های متفاوتی را به کار می‌برند یا از رویکردهای متفاوتی پیروی می‌کنند.

بنیاد آرمان‌شهر و دیده‌بان زنان برای عدالت، براساس این واژه‌نامه کارزار «واژه‌ها مهم‌اند: ۶۱ واژه، ۶۱ روز برای مقابله با خشونت جنسی و جنسیتی» را در روز جهانی زنان، ۸ مارچ ۲۰۲۱ برابر با ۱۸ حوت/اسفند ۱۳۹۹ آغاز و تا ۱۷ تورا/دیهشت ۱۴۰۰ ادامه داد. هدف از ایجاد این کارزار، نه تنها افزایش آگاهی جمعی

و عمومی درباره خشونت‌های جنسی و جنسیتی بود؛ بلکه هدف مهم‌تر، نشان دادن ارتباط مجموعه گسترده‌ای از خشونت‌ها با یک‌دیگر و پیوند میان خشونت‌های عرصه خصوصی (خشونت‌های خانه‌گی) با خشونت‌های عرصه عمومی از جمله نسل‌کشی، تبعیض‌های ساختاری، زن‌کشی، قاچاق انسان و ... بود. این کارزار ۶۱ روزه از طریق شبکه‌های مجازی و صفحات فیس‌بوک، توئیتر و اینستاگرام آرمان‌شهر، توانست ده‌ها هزار نفر را مخاطب قرار دهد. روز ۱۷ حوت/اسفند ۱۳۹۹ نیز کنفرانس آغاز کارزار واژه‌ها مهم‌اند: ۶۱ واژه، ۶۱ روز برای مقابله با خشونت جنسی و جنسیتی، با حضور کارشناسانی از افغانستان، ایران، تاجیکستان، اوزبیکستان و اقلیم کردستان برگزار شد. در پایان این کارزار هم، در سمینار بین‌المللی نسل‌کشی، آپارتاید و زن‌کشی در دو بخش انگلیسی و فارسی، سخنرانانی از افغانستان، فلسطین، ترکیه، مکزیک، ایران، کانادا، تاجیکستان، اقلیم کردستان و اوزبیکستان درباره درهم‌تنیده‌گی و ارتباط ساختاری انواع خشونت‌ها با یک‌دیگر، با توجه به تجارب مختلف جهانی و منطقه‌ای صحبت کردند. هم‌اکنون این کارزار، به ابتکار ما و همکاری «انجمن مدنی عدالت، حقوق بشر و جنسیت» به زبان اسپانیایی و در حوزه کشورهای امریکای لاتین در جریان است و به زودی به زبان‌های دیگر، از جمله انگلیسی، روسی و عربی نیز آغاز خواهد شد. این کارزارهای به هم پیوسته و زنجیره‌ای نشان می‌دهد که برای مبارزه با اپیدمی خشونت‌های جنسی و جنسیتی مانند هر اپیدمی دیگری، نیازمند هم‌بسته‌گی جهانی نهادها، سازمان‌ها، جنبش‌های اجتماعی و مدافعان حقوق بشر هستیم.

خشونت‌های جنسی و جنسیتی محدود به خشونت‌های خانه‌گی نیست، طیف گسترده‌ای از جرایم جنگی و جنایت‌های ضد بشریت، از جمله نسل‌کشی، سربازگیری کودکان، شکنجه و ... از جمله خشونت‌های جنسی و جنسیتی محسوب می‌شود و از سوی دیگر مجموعه‌ای از خشونت‌ها، از جمله تجاوز، برده‌داری جنسی، استثمار جنسی، فحش‌ای اجباری، عقیم‌سازی اجباری و بارداری اجباری تحت شرایط ویژه، از جمله در درگیری‌های مسلحانه، براساس حقوق و قوانین بین‌المللی جزو جرایم جنگی و جنایت‌های ضد بشریت محسوب می‌شود و همه دولت‌ها موظف هستند که مرتکبان این جرایم را در دادگاه‌های ملی خود مورد پیگرد قانونی قرار دهند. حقوق بین‌المللی جزایی، به ویژه در اساس‌نامه رم مرجع ارزشمندی را برای قرار دادن جنایت‌های جنسی و جنسیتی به عنوان نسل‌کشی، جنایت‌های ضد بشریت و جنایت‌های جنگی در قانون داخلی فراهم می‌کند. در زمان تنظیم این واژه‌نامه، ۱۲۲ کشور، از جمله افغانستان، اساس‌نامه

رم را تصویب کرده و بیش از نیمی از دولت‌های عضو (در بعضی موارد بخشی از آن را) در کشور خود به اجرا گذاشته‌اند. هم‌چنان، جنایت‌های جنسی و جنسیتی در دادگاه‌های ویژه به عنوان جنایت‌های ضد بشریت مورد پیگرد قانونی قرار گرفته است.

از جمله سایر اسناد بین‌المللی و عهدنامه‌های حقوق بشری که به طور ویژه از زنان در برابر خشونت جنسی و یا جنسیتی محافظت می‌کنند، می‌توان از کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) و کنوانسیون شورای اروپا در مورد جلوگیری از خشونت علیه زنان و خشونت خانگی و مقابله با آن، نام برد. باید توجه داشته باشیم که با وجود این اسناد و قوانین بین‌المللی، در فقدان قوانین ملی و اجرای کامل آن‌ها، پاسخگویی و تأمین عدالت، حمایت‌های دولتی، ایجاد مکانیسم‌های حفاظتی و اعاده حیثیت و جبران خسارت برای قربانیان، بازمانده‌گان و خانواده‌های آنان، مسیر مبارزه با خشونت‌های جنسی و جنسیتی، پر از موانع بازدارنده خواهد بود.

برای مقابله با خشونت‌های جنسی و جنسیتی، تدوین اسناد و الزام‌های بین‌المللی، قوانین جزایی و اقدامات پیش‌گیرانه و بازدارنده اگرچه لازم است، اما کافی نیست. از میان سایر اقدامات ضروری و مداوم در این زمینه، تحقیق، تاب‌زدایی، افزایش آگاهی و حساسیت جامعه، پرسشگری و تسلط بر مفاهیم، تجربیات و بازخوانی ادبیات این حوزه از چشم‌اندازهای جدید و انتقادی نیز لازم است. در انتشارات آرمان‌شهر، علاوه بر کارزارهای متعدد آگاهی‌بخشی، همواره کوشیده‌ایم با نشر اسناد و متون بین‌المللی در زمینه خشونت علیه زنان، از جمله «با هم در حمایت از برابری (متن مصور کنوانسیون سیدا به فارسی و پشتو)»، «عدالت برای زنان در جنگ و صلح» دربرگیرنده قطع‌نامه‌های مختلف شورای امنیت سازمان ملل متحد، از جمله قطع‌نامه ۱۳۲۵ زنان، صلح و امنیت، قطع‌نامه‌های ۲۱۰۶ و ۱۸۲۰، «راهنمای قربانیان به دادگاه بین‌المللی جنایی»، «رهنمودهای اتحادیه اروپا درباره حقوق بشر و حقوق بین‌المللی بشردوستانه»، «خشونت جنسی و جنسیتی در جنگ»، «اصول لاهه درباره خشونت جنسی» و «فرهنگ واژه‌گان خشونت‌های جنسی و جنسیتی: از الف تا ی» درک مشترک، دانش لازم کنش‌محور و روش‌های پیش‌برد مبارزه علیه خشونت و تبعیض را در اختیار فعالان حقوق بشر و مدافعان حقوق زنان قرار دهیم و گام جدی برای حاکمیت فرهنگ حقوق بشر، به ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر، از جمله زنان و دسترسی قربانیان به عدالت برداریم.

برای دسترسی به کتاب‌های انتشارات آرمان‌شهر با بیش از ۱۶۰ عنوان (۳۰۰ هزار جلد) در حوزه حقوق بشر، حقوق زنان، ادبیات، کودکان و نوجوانان و ... می‌توانید به وب‌سایت ما به آدرس openasia.org مراجعه کنید.

اهمیت بسیج مردمی علیه طالبان و مسوولیت دولت افغانستان

◆ سیدنسیم بهمن، استاد دانشگاه بلخ

افغانستان روزهای دشوار و سختی را سپری می‌کند. بیش از هر زمان دیگر، آتش جنگ شعله‌ور است و طالبان اراضی بیش‌تر را در نقاط مختلف، به ویژه در شمال کشور تحت اشغال خود درآورده‌اند. با وجود دشواری‌های فراوان جنگ، شکل‌گیری خیزش‌های مردمی در مقابل هجوم طالبان جهت پاسداری از تمامیت ارضی، نظام جمهوری و دستاوردهای ۲۰ سال اخیر می‌تواند نویدبخش قیام ملی علیه دشمن مردم افغانستان و درس بزرگی به بدخواهان این مرز و بوم باشد. در واقع، بسیج ملی علیه طالبان یکی از رویدادهای سرنوشت‌ساز به حساب می‌آید و اگر به صورت درست مدیریت شود، می‌تواند به عنوان نقطه عطف، ثبت تاریخ مبارزات ملی مردم افغانستان شود.

سرنوشت ملت‌ها در تاریخ همواره با لحظات و رویدادهای خاص پیوند داشته است. بسیج ملی در برابر دشمنان داخلی و خارجی از همان لحظات سرنوشت‌ساز و مهم در تاریخ یک کشور به شمار می‌رود. در این نوشته تلاش می‌شود تا اهمیت بسیج مردمی در راستای مبارزه علیه طالبان و مسوولیت دولت افغانستان جهت بهره‌گیری از این بسیج، بررسی شود.

اهمیت بسیج مردمی علیه طالبان

حراست از تمامیت ارضی و بقای کشور در شرایط موجود نیازمند بسیج ملی و حماسه‌آفرینی مردم

و بقای کشور است. از این‌رو، مقاومت مردم بدون در نظر داشت جنسیت، قوم، مذهب و سمت می‌تواند امکان پیروزی بر طالبان را فراهم کند و از این طریق شهروندان افغانستان می‌توانند به الگوی ایستاده‌گی و مقاومت مردمی در برابر گروه‌های بی‌رحم و شرور مبدل شوند.

مسوولیت دولت در قبال بسیج مردمی

مردم در نقاط مختلف کشور در برابر تهاجم کم‌پیشینه طالبان بسیج شده و مقاومت جمعی را شکل داده‌اند. بیش‌تر از هر جای دیگری، مردمان شمال پرچم مقاومت علیه این گروه را برافراشته‌اند و اکنون این حوزه شاهد مقاومت جمعی در برابر طالبان است. چهره‌هایی مانند عطا محمد نور، محمد محقق و مارشال دوستم با بسیج مردم جهت دفاع خودی در کنار نیروهای امنیتی افغانستان، از پیشگامان مقاومت مردمی علیه طالبان در شمال کشور هستند.

البته مبارزه در برابر طالبان تنها محدود به شمال کشور نیست؛ بلکه ما در نقاط مختلف کشور شاهد خیزش‌های گسترده مردمی علیه این گروه هستیم. بسیج مردمی علیه طالبان بیش از هر چیز دیگری، نفرت عمومی مردم افغانستان از طالبان را نشان می‌دهد. پیام اساسی این بسیج مردمی به طالبان و حامیان آن‌ها این است که نمی‌توانید با زور و از طریق جنگ بر کشور حاکم شوید. در واقع، حمایت بی‌سابقه مردم از نیروهای امنیتی نشان‌دهنده مخالفت جمعی با اندیشه طالبانی و نظم سیاسی



افغانستان است. بدون مقاومت مردم و جان‌فشانی نیروهای امنیتی، پیروزی بر هیولای وحشت و جهل متصور نیست. از این‌رو، بسیج ملی و آماده شدن مردم جهت مبارزه با گروه طالبان، یگانه راه‌حل اساسی برای رهایی از وحشت‌آفرینی این گروه است.

در شرایطی که بقای کشور با آزمون سخت مواجه است، مقاومت و پایداری مردم در گوشه‌وکنار این سرزمین راه‌حل آشنا برای بیرون‌رفت از وضعیت موجود و نشانه سربلندی و عزت کشور است. بدون تردید، بسیج ملی، حفظ هم‌بسته‌گی ملی و انسجام میان خیزش‌های مردمی، کلید پیروزی

مورد انتظار این گروه در افغانستان است. از این‌رو، انتظار می‌رود که حکومت نیز اهمیت این بسیج ملی و خیزش‌های مردمی را به خوبی درک و به صورت پایدار و منسجم امکانات مورد نیاز آنان را تأمین کند؛ زیرا تداوم و بقای حکومت افغانستان وابسته به حمایت فراگیر مردم است. فراتر از این موارد، انتظار می‌رود که خیزش‌های مردمی در قالب اردوی محلی و در چوکات رسمی ارتش به رسمیت شناخته شوند و انسجام لازم میان این رزمنده‌گان از طریق مدیریت موثر به وجود آید.

نتیجه‌گیری

در شرایطی که طالبان از طریق جنگ به دنبال گسترش قلمروشان هستند، شکل‌گیری خیزش‌های مردمی علیه این گروه در نقاط مختلف کشور به منزله روزنه امید در این روزهای دشوار به حساب می‌آید. بسیج بی‌سابقه مردم علیه طالبان، انزجار عمومی از این گروه و اندیشه طالبانی را نشان می‌دهد. هیچ نیرویی توان ایستاده‌گی در برابر مردم آزاده و مصمم را ندارد و انتظار می‌رود که حکومت افغانستان با حمایت همه‌جانبه و سازمان‌دهی منظم خیزش‌های مردمی، از آن‌ها به عنوان یک فرصت تاریخی جهت اعمال فشار نظامی بر طالبان، استفاده کند. دولت افغانستان بیش از هر زمان دیگری برای بقایش به حمایت فراگیر مردم نیازمند است. بنابراین، لازم است با کمک و سازمان‌دهی مسوولانه خیزش‌های مردمی، امکان پیروزی همه‌جانبه بر طالبان را به دست بیاورد.

چرا برق ۲۲۰ کیلوولت به بامیان نمی‌رسد؟



الیاس ظاهری

تأمین برق بامیان، یکی از وعده‌های مهم و همیشگی رییس جمهور غنی چه در زمان کارزارهای انتخابات ریاست جمهوری و چه بعد از آن بوده است. پس از سال‌ها اعتراض بامیانی‌ها در پیوند به بی‌برقی و همین‌طور اعتراضات گسترده «جنش روشنایی» در واکنش به تغییر مسیر خط برق ۵۰۰ کیلوولت از بامیان به سالنگ، سرانجام حکومت یک خط جداگانه برق با ظرفیت ۲۲۰ کیلوولت را برای بامیان وعده داد. با وجودی که از مهلت تعیین شده برای تکمیل کار پروژه برق موسوم به ۲۲۰ کیلوولت زمان زیادی می‌گذرد، اما این پروژه به دلایلی تکمیل نشده و از برق خبری نیست. رییس جمهور غنی در کنار سایر وعده‌هایش، بارها روی تأمین برق بامیان تأکید کرده است. او در سی‌ماه سنبله سال گذشته در سفرش به بامیان بار دیگر گفت که برق ۲۲۰ کیلوولت کارش عنقریب تکمیل شده و چند ماه بعد توزیع خواهد شد.

اما اکنون مسوولان اداره محلی بامیان، ریاست برشنا و شرکتی که مسوولیت انتقال لین از دوشی الی بامیان را برعهده دارد، در مورد چرایی تکمیل نشدن این پروژه و همین‌طور درصدهای پیش‌رفت کار آن، معلومات متفاوت و ضدونقیض به روزنامه ۸صبح ارائه می‌کنند.

مشکل کجا است و چرا کار به کندی پیش می‌رود؟

براساس معلومات شرکت برشنا در بامیان، شیوع ویروس کرونا، به وجود آمدن مشکلات اجتماعی در بخش‌هایی از مسیر پروژه و همین‌طور ملاحظاتی که وزارت اطلاعات و فرهنگ در ساحت مربوط به «یونسکو» داشته است، کار پروژه را به تأخیر انداخته است. سیدمرتضی سرمد، رییس این اداره، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که قرار بود کار پروژه برق ۲۲۰ کیلوولت در سال ۱۳۹۹ تکمیل شود، اما به گفته او، مسدود شدن راه‌ها و گیر ماندن تجهیزات در بنادر، سبب شد که کار در زمان معین آن تکمیل نشود. طبق معلومات آقای سرمد، وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز در بخش شبکه توزیعی این پروژه برخی ملاحظات دارد که تلاش‌ها در جریان است تا این مشکل رفع شود.

براساس اسنادی که روزنامه ۸صبح از اداره برشنا در بامیان دریافت کرده است، این اداره در نامه ۱۱۳/۹۲۲ به تاریخ ۲۲ ثور ۱۳۹۸ عنوانی ریاست اطلاعات و فرهنگ بامیان نوشته است که جهت آغاز کار بخش شبکه توزیعی ۲۰ کیلوولت نیاز به هماهنگی و تثبیت ساحت باستانی دارد. در این نامه هم‌چنان آمده که ساحت باستانی ضرورت به برق‌رسانی از طریق شبکه کبیلی زیرزمینی دارد، ولی این ساحت در نقشه‌های قرارداد به گونه واضح نشان داده نشده است. ریاست اطلاعات و فرهنگ در جواب این نامه به تاریخ ۲۵ ثور ۱۳۹۸ نوشته است که در بعضی از ساحت اطراف شهر غلغله و «سرخ‌قول بالا» و «سرخ‌قول پایین» کبیل هوایی در نظر گرفته شده که باید در این ساحت نیز کبیل زیرزمینی در نظر گرفته شود تا به منظره فرهنگی بامیان آسیب نرسد.



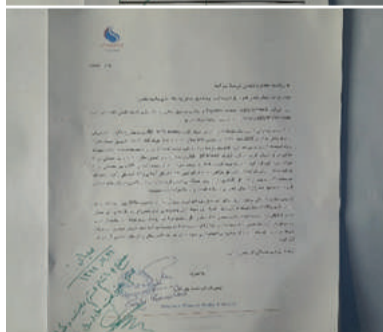
با توجه به نامه شماره ۳۹ ریاست اطلاعات و فرهنگ در جواب نامه شماره ۱۱۳/۹۲۲ به نظر می‌رسد مشکل حل شده است، اما اسناد بعدی نشان می‌دهد که بیش از یک سال مکتوب‌های زیادی میان اداره ولایت، اطلاعات و فرهنگ و ریاست برشنا در این مورد رد و بدل شده که تاکنون به‌صورت کامل حل نشده است.

سیدانور رحمتی، والی بامیان، اما در این باره به روزنامه ۸صبح گفت، شرکت‌هایی که هر سه بخش پروژه را قرارداد کرده‌اند، نتوانسته‌اند در زمان تعیین شده کار خود را تکمیل کنند. آقای رحمتی افزود که زمان کاری این شرکت‌ها به پایان رسیده و پروژه بار دیگر به تدارکات ملی رفته است. به گفته والی بامیان، تاکنون روشن نیست که کار باقی‌مانده توسط همین شرکت‌ها تکمیل می‌شود یا با شرکت‌های جدید قرارداد خواهد شد. رحمتی



گفت: «ممکن است حتی قرارداد کار با این شرکت‌ها فسخ شود و حدود ۳۵ درصد باقی‌مانده پروژه به شرکت‌های جدید واگذار شود.» والی بامیان تأکید می‌کند که اداره محلی تمامی مسوولیت‌های خود از جمله استملاک زمین‌های مسیر پروژه را به موقع انجام داده، اما «کل تأخیر برمی‌گردد به شرکت‌های قراردادی که متأسفانه نتوانستند مطابق تعهد خود عمل کنند.»

شرکت «شیما پاور اندیا» که مسوولیت شبکه‌سازی پروژه برق بامیان را برعهده دارد، به تاریخ ۲۹ دلو ۱۳۹۹ عنوانی ریاست برشنا از یک مشکل دیگر یادآور شده است. در نامه شرکت «شیما پاور اندیا» از «عدم طی مراحل تغییرات در بل احجام کاری پروژه برق‌رسانی و شبکه‌سازی» ولایت بامیان شکایت صورت گرفته است. هم‌چنان در این نامه که یک کاپی آن به اداره ولایت نیز ارسال شده، آمده است که ۶۰ درصد کارهای ساحت‌های پروژه شبکه‌سازی انجام شده و متباقی (۴۰ درصد دیگر) «وابسته به نهایی شدن بل احجام کاری» است. براساس متن نامه، با گذشت بیش از یک سال (۳۹۰ روز) از تسلیمی تغییرات بل احجام کاری، تاکنون از سرنوشت آن خبری نیست و با این حال، رسیدن برق به بامیان ناممکن است و مردم نمی‌توانند از نعمت برق برخوردار شوند. سپس به تاریخ ۱۴ حوت ۱۳۹۹ مقام ولایت بامیان عنوانی اداره برشنا می‌نویسد که در حل این مشکل، شرکت قراردادی را همکاری کند تا پروژه به موقع تکمیل شود.



این پروژه در سه بخش تحت کار است که شامل انتقال لین ۲۲۰ کیلوولت از دوشی تا بامیان، شبکه‌سازی به منظور توزیع برق برای بیست هزار خانوار و همین‌طور سب‌استیشن با ظرفیت ۳۲ میگاوات می‌شود. بودجه مجموعی این پروژه حدود ۸۰ میلیون دالر امریکایی است که توسط بانک توسعه آسیایی پرداخت می‌شود. هر بخش پروژه با شرکت‌های جداگانه قرارداد شده است. محمدحسن اسدی، عضو شورای ولایتی بامیان، چنددسته‌گی شرکت‌های تطبیق‌کننده پروژه را یکی از دلایل به تأخیر افتادن کار می‌داند. به گفته این عضو شورای ولایتی، مدیریت ضعیف دولت مشکل جدی دیگری است که تأخیر در کار پروژه‌ها را در سطح کشور به یک امر معمول بدل کرده است. اما شرکت هندی «KEC» که مسوولیت انتقال لین ۲۲۰ کیلوولت از دوشی الی بامیان را برعهده دارد، موارد دیگری را از دلایل اصلی ارائه می‌کند. انجنیر لقمان حکیم، نماینده این شرکت، به روزنامه ۸صبح

می‌گوید که گیر ماندن تجهیزات در کابل به خاطر قرنطین و همین‌طور تغییر مسیر لین ۲۲۰ کیلوولت از مسیر «دره شکاری» به ولسوالی‌های کهمرد و سیغان، مانع تکمیل کار در زمان معین شده است. در همین حال، یک منبع معتبر به روزنامه ۸صبح می‌گوید که کار عملی پروژه در سال ۱۳۹۷ آغاز شد و تغییر مسیر لین از دره شکاری به کهمرد و سیغان، پیش از آن صورت گرفته بود و بهانه شرکت «KEC» موجه نیست.

وضعیت فعلی پروژه؛ پیش‌رفت کار چه قدر است؟

معلوماتی که والی بامیان، رییس شرکت برشنا و نماینده شرکت هندی «KEC» در رابطه به پیش‌رفت کار پروژه به روزنامه ۸صبح ارائه کرده‌اند، از هم متفاوت است. سیدانور رحمتی، والی بامیان، می‌گوید که کارهای مربوط به شبکه توزیعی برق برای بیست هزار خانوار حدود ۶۰ درصد، لین دوشی - بامیان بیش از ۷۵ درصد و سب‌استیشن برق با ظرفیت ۳۲ میگاوات حدود ۸۵ درصد انجام شده است. طبق معلومات والی بامیان، در کل حدود ۳۵ درصد کار پروژه باقی مانده است. اما بر بنیاد معلومات شرکت برشنا، به صورت مجموعی حدود ۷۷ درصد کارهای مربوط به سه بخش پروژه انجام شده است. همین‌طور شرکت «KEC» می‌گوید که کارهای ساختمانی، کانکریته‌بندی و پایه‌بندی لین ۲۲۰ کیلوولت این پروژه، ۸۳ درصد انجام شده است؛ در حالی که والی بامیان پیش‌رفت کار این بخش پروژه را ۷۵ درصد گفته است.

شرکت برشنا می‌گوید که هم‌اکنون کار در هر سه بخش (خط لین دوشی - بامیان، سب‌استیشن و شبکه‌سازی) در ساحت جریان دارد. به نقل از سیدمرتضی سرمد، رییس این اداره، کمپنی‌های قراردادی تاکنون به کار خود ادامه می‌دهند و اگر قرار باشد ادامه پروژه به شرکت‌های جدید سپرده شود، اداره برشنا در بامیان از آن معلومات ندارد. رییس شرکت برشنا تأکید کرد که در حال حاضر موانع جدی سد راه پروژه باقی نمانده و ملاحظات فرهنگی‌ای که از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ وجود داشت، تلاش‌ها برای حل آن ادامه دارد.

اما سیدانور رحمتی، والی بامیان، می‌گوید که اداره محلی وضعیت فعلی پروژه را به ریاست جمهوری گزارش داده و اداره تدارکات ملی نیز به گونه دقیق در جریان موانع و مشکلات پروژه قرار گرفته است. به گفته رحمتی، این که چه تصمیمی در این باره گرفته خواهد شد، اداره محلی در مورد آن چیزی نمی‌داند.

تا پایان ۱۴۰۰ نیز برق به بامیان نمی‌رسد

سیدانور رحمتی زمان مورد نیاز برای تکمیل هر سه بخش پروژه را هشت ماه کاری برآورد می‌کند. همین‌طور سیدمرتضی سرمد، رییس اداره برشنا، می‌گوید در صورتی که مشکلات اجتماعی به وجود نیاید، این پروژه باید تا پایان سال جاری خورشیدی تکمیل شود. اما انجنیر لقمان حکیم، نماینده شرکت «KEC» می‌گوید که «فکر نمی‌کند» کار پروژه برق بامیان در سال جاری نیز به دلیل چالش‌های امنیتی تکمیل شود. حکیم می‌افزاید که در حال حاضر در ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان به دلیل ناامنی، کار لین ۲۲۰ کیلوولت متوقف است.

محمدحسن اسدی، عضو شورای ولایتی بامیان، به این باور است که با توجه به کندی روند کار و همین‌طور اقلیم سرد بامیان، پروژه برق تا پایان سال جاری خورشیدی تکمیل نمی‌شود. آقای اسدی گفت انجنیران موظف این پروژه، اوایل سال گذشته خورشیدی وعده داده بودند که در ماه سرطان ۱۴۰۰ کار را تکمیل می‌کنند و پروژه به بهره‌برداری خواهد

رسید؛ اما این کار نشد. اسدی افزود: «متأسفانه تا ختم سال روان نیز ما باورمند نیستیم که کار این پروژه تکمیل شود.» این عضو شورای ولایتی با انتقاد از عملی نشدن تعهدات حکومت برای بامیان گفت، با وجودی که رییس جمهور وعده‌های زیادی داده بود، اما بسیاری آن‌ها به شمول برق تاهنوز عملی نشده است. آقای اسدی به عنوان نمونه از ارتقا نیافتن بامیان به ولایت درجه دوم یاد کرد. هفت سال پیش بنا بر درخواست مسوولان محلی و نماینده‌گان مردم، رییس جمهور حکم ارتقای ولایت بامیان از درجه سوم به درجه دوم را امضا کرد. به گفته اسدی این کار «تنها روی کاغذ» صورت گرفته، اما در تشکیلات و سایر امتیازات اداره‌های دولتی این ولایت تاکنون تغییریاتی به میان نیامده است.

در همین حال فعالان مدنی بامیان اداره محلی را به سهل‌انگاری و ضعف مدیریت در قبال پروژه‌های توسعه‌ای، به ویژه برق این ولایت، متهم می‌کنند. عبدالله شایگان، از فعالان مدنی، می‌گوید در صورتی که شرکت‌ها کار خود را درست و به موقع انجام ندادند، اداره محلی باید از آن‌ها بازخواست می‌کرد و جهت تسریع کار پروژه دادخواهی‌های لازم را در مرکز انجام می‌داد. آقای شایگان می‌افزاید که پروژه برق بامیان پس از سال‌ها «تحقیر» و «نادیده گرفتن» خواست میلیون‌ها شهروند کشور و پس از اعتراضات جنش روشنایی وعده داده شد، اما به دلیل «نگاه تصمیم‌گیرنده‌گان شرکت برق به عنوان پروژه غیرمهم، ضعف مدیریت و فساد در این نهاد» هم‌چنان ناتکمیل مانده است. عاقله یوسفی، فعال مدنی دیگر، به این باور است که افزون بر ضعف مدیریت مسوولان محلی، بی‌مهری حکومت مرکزی در قبال بامیان و بی‌پروایی باشندگان این ولایت نیز از دلایلی‌اند که کار چنین پروژه‌ها در زمان معین تکمیل نمی‌شود.

هزینه برق آفتابی در بامیان «ظالمانه» است

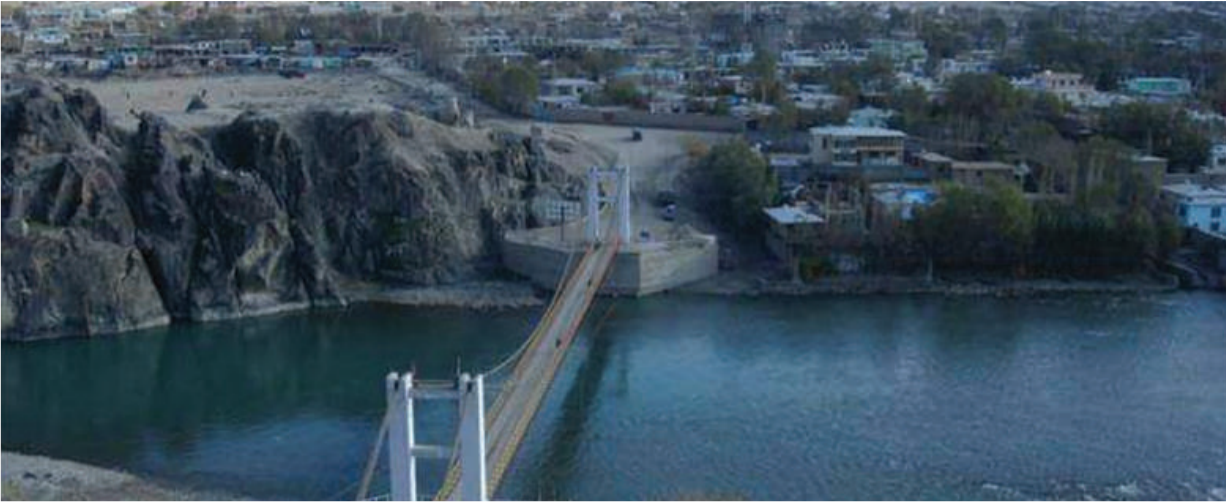
در حال حاضر ۴۴۵۰ مشترک برق به شمول منازل ره‌ایشی، دفاتر اداره‌های دولتی، دکان‌ها و... تنها در شهر بامیان از برق آفتابی استفاده می‌کنند که شرکت برشنا توزیع کرده است. هر کیلووات برق آفتابی از ۱۶ تا ۴۵ افغانی به مردم فروخته می‌شود. بامیانی‌ها بارها انتقاد کرده‌اند که بالاترین هزینه را در سطح کشور، مردم بامیان به برشنا می‌پردازند، آن هم برق آفتابی که هیچ مصرفی برای برشنا ندارد.

محمدحسن اسدی، عضو شورای ولایتی بامیان، یکسان‌سازی صرفیه برق را یکی از خواسته‌های همیشگی و مهم باشندگان بامیان عنوان می‌کند. اسدی قیمت برق را «ظالمانه» می‌داند؛ در حالی که به گفته وی، برق آفتابی فعلی از سوی کشور نیوزلند ساخته شده و شرکت برشنا هزینه زیادی را متقبل نشده است. این عضو شورای ولایتی می‌گوید که قیمت برق در بامیان باید مطابق به قیمت برق شهر کابل تنظیم می‌شود. عبدالله شایگان می‌گوید که باشندگان این ولایت ناگزیرند «خلاف قانون» ده برابر بیش‌تر از کابل و شهرهای بزرگ کشور به شرکت برشنا قیمت برق بپردازند؛ در حالی که به گفته او برق بامیان آفتابی است و از سوی نیوزلند ساخته شده است.

اما رییس شرکت برشنا دلیل بهای بلند برق را استفاده از جنراتور برای تولید برق در «تمام فصل‌های سال» عنوان می‌کند. سیدانور رحمتی، والی بامیان، هم می‌پذیرد که قیمت برق آفتابی بلند است، اما می‌گوید بخشی از این پول مصرف جنراتورهایی می‌شود که برق آفتابی را حمایت می‌کند. به گفته والی بامیان، تا زمانی که پروژه برق ۲۲۰ کیلوولت تکمیل نشود، برشنا تبدیل دیگری برای پایین آوردن هزینه برق ندارد. رحمتی تأکید می‌کند که برق ۲۲۰ کیلوولت جزو پروژه ملی است و با تکمیل شدن آن، قیمت برق نیز پایین می‌آید و مطابق پروژه ملی تنظیم می‌شود. مسوولان شرکت برشنا می‌گویند که با بهره‌برداری از این پروژه در مرحله نخست بیست هزار خانوار در مرکز بامیان و در مرحله‌های بعدی ولسوالی‌های سیغان، کهمرد و یکاولنگ این ولایت نیز از این برق مستفید خواهند شد.

با این همه، رییس جمهور غنی در سفر سال گذشته‌اش به بامیان بار دیگر گفته بود که یکی از میلیاردرهای استرالیایی با دولت افغانستان موافقت‌نامه امضا کرده و براساس آن قرار است از آب‌های کشور ۲۰ هزار میگاوات برق تولید شود. غنی گفته بود که از این موافقت‌نامه بیش‌ترین سهم به بامیان خواهد رسید. این سخنان توسط رییس جمهور در حالی گفته شد که چندین سال از وعده‌های پی‌هم او در زمینه تأمین برق بامیان می‌گذرد، اما بامیانی‌ها هنوز شاهد عملی شدن آن نیستند.

یک قدم راه، کرایه موتر خراج شاه



بهرز خاوری

دشت قُرق، در کناره راست دریای کوچک شهر فیض‌آباد واقع شده و از نظر تقسیمات اداری، ناحیه ششم حساب می‌شود.

در سال‌های اخیر و بعد از کشف گورهای دسته‌جمعی مربوط به دوران کمونیستی و سال ۱۳۵۷، نام این منطقه به دشت شهدا تغییر یافت؛ هرچند مردم محل و عوام هنوز هم دشت قرق/قرغ می‌گویند و از دشت شهدا یاد نمی‌کنند.

این منطقه فاصله بسیار کوتاهی با شهر کهنه فیض‌آباد و مقام ولایت بدخشان دارد. از آنجایی که هنوز بیش‌ترین ساختمان‌های دولتی، شفاخانه مرکزی فیض‌آباد و کار و بازار در شهر کهنه موقعیت دارد، بیش‌ترین رفت‌وآمد مردم نیز به همین منطقه است.

سابق یک پل کیبلی ساخت بنیاد آقاخان دشت قرق را به شهر نو وصل می‌کرد، ولی بر اثر عدم مراقبت از سوی شهرداری، بی‌توجهی عمومی مردم، ایجاد فشار بی‌اندازه و وزن غیرمجاز و بیرون از ظرفیت و توانایی کیبل‌های زنجیری پل، این پل دچار مشکل شده است و روی تردد موترها بسته شد.

اکنون مردم ناحیه شش برای گذشتن از فاصله ۱۰۰ متری دریای کوچک میان شهر دشت قرق و شهر نو، ناگزیرند کیلومترها عقب آمده و از پیش دانشگاه بدخشان به منطقه‌های «باغ شاه» و «بتاش» بروند و به شهر نو و کهنه برسند یا فاصله قابل توجهی را تا شهر کهنه و گذشتن از پل جدید به حصه اول شهر نو فیض‌آباد و هی میدان طی میدان کرده به مقصد برسند، اما نکته جالب در یک بام و دو هوا بودن کرایه موترها در شهر فیض‌آباد است.

مسیر طولانی‌تر از شهر کهنه تا بتاش و قسمت‌های دورتر ۱۰ افغانی است، ولی از دشت قرق تا شهر کهنه ۲۰ افغانی. در حالی که از لحاظ فاصله، دشت قرق نسبت به آن نواحی، به مراتب نزدیک‌تر به شهر کهنه و مرکز ولایت است.

بی‌بی‌صنم، پیرزنی سال‌خورده و نحیف است با شانه‌های خم‌شده در زیر بار روزگار. با آه و ناله می‌گوید: «یک قدم راه، کرای موتر خراج پادشاه، بچه‌ام ده غم غریب کیست؟ غریب ده کل جای زیر پاست، اینمی گرگ‌ها ۲۰ روپیه مه می‌قیند تا شهر کهنه

میرم و میام ۴۰ روپیه می‌شود.» عبدالرحمان، یک ریش‌سفید دیگر مقیم دشت قرق است. او می‌گوید گوش شنوایی وجود ندارد و راننده‌ها به دل خود قانون وضع می‌کنند. فاصله راه از پل کیبلی آقاخان و باغ زراعت تا شهر کهنه فیض‌آباد شاید به یک کیلومتر نرسد، ولی کرایه موترهای شهری و نکسی، ۲۰ افغانی است.

شماری از شهروندان فیض‌آباد می‌گویند این نرخ در زمانی تعیین شد که هنوز جنرال نذیرمحمد نیازی شهردار فیض‌آباد بود و سرک شهر کهنه - دشت قرق، خامه و خراب بود. اکنون این سرک پخته شده و مسیر بسیار راحت و کوتاه است، ولی راننده‌ها مثل قدیم کرایه‌شان را حساب می‌کنند.

شهر بی‌شهردار و پر جنجال

شهر فیض‌آباد از شهرهایی است که شهردار ندارد. شهردار رسمی و قانونی آن که از طریق امتحان رقابتی استخدام شاروال‌ها و به حکم رییس جمهور مقرر شده بود، توسط زورمندان لت‌وکوب شده و برایش اجازه کار داده نشد.

استادی که به دست روزنامه ۸صبح رسیده، نشان می‌دهد که اسامه بصیر فرزند عاشورمحمد در امتحان رقابتی استخدام شاروالان کامیاب شده و حکم شماره ۷۱۹ رییس جمهور به تاریخ ۱۳۹۷/۴/۲۴ در مورد

منظوری تقرر او صادر شده است، ولی بنا بر مخالفت زورمندان و حمله بر شخص آقای بصیر، وی نتوانست پُست خود را اشغال کند.

پس از آن تلاش‌های شهردار مقرر شده نتیجه نداد، ولی با نشر یک گزارش تحقیقی به تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۸ در روزنامه ۸صبح که توسط رییس جمهور نیز خوانده شد، فرمان رسیده‌گی به این قضیه صادر شد. مکتوب شماره ۲۲۳۰ ریاست جمهوری که به تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۹ صادر شده، نشان می‌دهد که قضیه به ولایت بدخشان فرستاده شده است.

پاسخ والی پیشین بدخشان در مکتوب شماره ۳۶۴ به تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۳ در مورد دلایل عدم معرفی اسامه بصیر و راه‌های بدیل آن به ریاست جمهوری فرستاده شده است و رییس جمهور گفته است که در مشورت با معاون اول ریاست جمهوری اقدام صورت گیرد.

قضیه در مکتوب شماره ۱۸۴۹۸ به تاریخ ۱۳۹۹/۳/۲۶ از اداره امور ریاست جمهوری به دفتر معاون اول فرستاده و تحویل داده شده است.

اکنون که نزدیک به چهار ماه می‌گذرد، هیچ اقدامی در زمینه حل مساله شاروالی فیض‌آباد صورت نگرفته است و اخترمحمد حیدرزاده، معاون والی بدخشان، به

حیث سرپرست شهرداری ایفای وظیفه می‌کند. اسامه بصیر می‌گوید که از ۱۴ ماه به این سو معاش نگرفته و در بی‌سروشتی به سر می‌برد. او از شخص

والی کندز تعیین شد که زمان زیادی را نگرفت. او هم پیش از این که بلدیته با این ولایت پیدا کند، به وزارت داخله منسوب شد. آقای میرزکوال هم نتوانست تعادل و اجماعی هرچند کوچک شکل بدهد

و در مخالفت‌های بزرگان کندزی، طرف واقع شد. همه این تعیینات در مقام ولایت کندز، یک نگاه را شامل می‌شد: کرسی ولایت کندز یک امتیاز است و به کی باید داده شود؟ این نگاه مقام‌های حکومتی، از جمله اداره مستقل ارگان‌های محلی، اداره امور و ریاست جمهوری بوده است که همواره باعث رخ دادن اتفاقات بد در ولایت کندز شده است.

حالا یک بار دیگر هم فرصت برای تعیین کسی به حیث والی کندز است و چنان‌که دیده می‌شود، جریانی که همواره به تعیین والی در کندز منجر می‌شود، آغاز شده است. نامزدها و گزینه‌ها از سوی چند موسی‌سفید، طرف‌ها و... پیشنهاد می‌شوند و در نهایت هر کدام خوش اداره مستقل ارگان‌های محلی آمد، او را به ریاست جمهوری پیشنهاد می‌کند و والی کندز می‌شود. متأسفانه نماینده‌گان قراردادی کندز که اکثریت‌شان رابطه‌ای مستقیم با مردم کندز ندارند و تنها بنده منافع جیب‌شان هستند، باز هم یکی از باشندگان ولایت‌های دیگر یا یک آدم محافظه‌کار و خواب‌برده را به حیث والی می‌پذیرند و دوباره کندز برای چندین ماه و یا سال، در گودالی می‌افتد که همه حسرت بیرون‌شدن‌شان را خواهیم داشت.

اداره مستقل ارگان‌های محلی و ریاست جمهوری، بدون این‌که نگاه دیگران را مد نظر بگیرند، بهتر است همین امروز کندز را مشاهده و ارزیابی کنند. سران حکومت باید ببینند که در شرایط دشوار کنونی، کی به درد کندز خورده و در دل کندزیان جا گرفته است. کسانی که کندز را نمی‌شناسند و در شرایط فعلی به درد کندزیان نخورده‌اند، نباید بر کندز تحمیل شوند. در شرایط فعلی، والی کندز باید شخصی همه‌پسند، قاطع و باترؤی باشد تا بتواند در خطوط مقدم جبهه به سربازان نیرو و انگیزه بیش‌تر ببخشد و در سطح مدیریتی و سیاسی، در کنار پیش‌برد فعالیت‌های اداری، اجماع ولایتی را در مبارزه با تروریستان شکل بدهد. کسی والی شود که فرزند همین خاک است و

رییس جمهور و معاون اول خواهش رسیده‌گی به قضیه‌اش را دارد.

نبود شهردار قانونی در فیض‌آباد، سبب هرج‌ومرج و پراکنده‌گی در این شهر شده است و هر کس به میل خود کار می‌کند.

شهروندان ناحیه ششم و به ویژه دشت قرق/شهدای فیض‌آباد، خواهان رسیده‌گی حکومت به نرخ بلند کرایه راه و بازسازی پل کیبلی‌اند.

داکتر احمدبشیر صمیم، والی بدخشان، می‌گوید که با بنیاد آقاخان توافق صورت گرفته است تا این پل را دوباره محکم‌کاری کند و برای استفاده آماده سازد. او در پیوند به تفاوت در نرخ کرایه موترهای شهری گفت که به معاون والی و سرپرست شهرداری مراجعه شود. آقای حیدری ضمن بر شمردن مشکلات شهرداری، گفت‌وگو در مورد نرخ کرایه را به ریاست ترانسپورت محول کرد و گفت این وظیفه ریاست ترانسپورت است. رییس ترانسپورت شهری فیض‌آباد در کابل به سر می‌برد و گل‌احمد، سرپرست این ریاست، می‌گوید: «یک کمیسیون متشکل از چندین نهاد دولتی در فیض‌آباد نرخ‌ها را معین کرد، ولی هیچ کسی به آن محل نمی‌گذارد و دو پول نمی‌خردش.»

باشنده‌گان فیض‌آباد خواستار رسیده‌گی به مشکلات شهری‌شان و هم‌چنان روشن شدن وضعیت شهردارند تا از بروکراسی نجات یافته و اقدام عملی را ببینند.

همین‌جا بزرگ شده است. امروز که یک بخش کلان مسوولان ولایت کندز فرار کرده‌اند، به کسانی اعتماد شود که هم‌چنان در این ولایت مانده‌اند. فهرست مسوولان فراری ولایت کندز، به شمول معاون مالی و اداری این ولایت، در شبکه‌های اجتماعی نیز نشر شد. بخش کلاتی از نامزدان ولایت کندز که از خود کندز هستند، کسانی شاید باشند که همین حالا در کابل فراری‌اند و اگر امتیاز والی بودن برای‌شان داده شود، برمی‌گردند. هم‌چنان در گذشته مردم کندز شاهد بودند کسانی که کندز را به چشم امتیاز می‌دیدند، وقتی جان و منافع‌شان در خطر جنگ قرار گرفت، فرار کردند.

با طرح این واقعیت‌ها به عنوان یک باشنده کندز، می‌خواهم درد و درک شهروندان این ولایت را به ریاست جمهوری، اداره مستقل ارگان‌های محلی و دیگر مقام‌های عالی‌رتبه کشور برسانم که دیگر مقام‌ها، این مسوولیت مهم را یک امتیاز فکر نکنند. دیگر کسی را که انرؤی کار ندارد و صرف می‌خواهد والی باشد، به این ولایت نفرستند. اگر کسی که به این ولایت بلدیته ندارد یا از جنگ می‌ترسد به این ولایت به حیث والی معرفی شود، فاجعه‌ای بزرگ رخ می‌دهد.

والی کندز اگر از جانب حکومت و دولت حمایت شود، می‌تواند به همکاری ادارات، اجماع قوی ولایتی را پیرامون مبارزه با طالبان در سطح دولتی، مردمی و نیروهای ضد طالب که تازه شکل گرفته‌اند، ایجاد کند و برنامه نگهداری از کندز، پس گرفتن برخی از ولسوالی‌ها و راندن طالبان از حاشیه شهر کندز را بسازد و به خوبی عملی کند تا امنیت تامین شود.

اگر این مسایل مد نظر گرفته نشود و کسانی که کندز را نمی‌شناسند و یا کندزیانی که در آزمون روزهای جنگ و حالات دشوار فراری و ناکام شده‌اند و یا آنانی که در کندز بوده‌اند و خود را در برابر طالب بی‌طرف معرفی کرده‌اند به حیث والی تعیین شوند، نتیجه‌اش افتادن بیش‌تر کندز به گودال مشکلات است. سران دولت نباید روزهای تلخ کندز را بر مردمان این ولایت باربار تکرار کنند، زیرا ممکن است فرصت دیگری پیش نیاید.

این بار مقام ولایت کندز را مثل امتیاز به ناکاره‌ها ندهید



فروشته آویژه، خبرنگار آزاد

کندز برای اولین بار در زمان ولایت‌داری عمر صافی که از ولایت بلخ آمده بود، سقوط کرد. زمینه‌های سقوط پیش از آن، در جریان ولایت‌داری غلام‌سخی بغلائی یا ناتوانی‌های او فراهم شده بود و عمر صافی به خاطری که شناختی با جغرافیا و کلیت مردم کندز نداشت، نتوانست جلو سقوط این ولایت را بگیرد.

یک بخش کلان از پشتون‌ها در ولایت کندز از قبيله عمرخیل هستند. در زمان اسدالله عمرخیل که والی کندز و از ولسوالی چهاردره بود، تا جایی هماهنگی میان کندزیان به میان آمده بود، اما به دلیل این‌که وی متعلق به جمع تقریباً تندرو مجاهدین بود، نتوانست کل مردم کندز را مدیریت کند. طیف وسیعی، شامل جوانان، بانوان و مدنی‌اندیشان از او فاصله داشتند و او براساس افکار متعلق به خودش، نتوانست موفق شود.

پس از آن عبدالجبار نعیمی والی شد. او هیچ سنخیتی با مردم کندز نداشت و نیم عمر ولایتش را در بیماری سپری کرد. وقتی مشکلات و دشواری‌های کندز را متوجه شد، دیگر نتوانست سلامت بماند و هر روز به دلیل یا بهانه بیماری از کندز فراری بود. سرانجام پس از او، عبدالستار میرزکوال به حیث

از بس روزگاران دشوار در کندز همواره سپری شده، ضرب‌المثل قدیمی در افغانستان مروج شده است که می‌گویند: «مرگ می‌خواهی، کندز برو.» متأسفانه کندز و خان‌آباد، مرکز قبلی این ولایت، همواره گواه نابه‌سامانی‌ها و جنگ‌ها بوده است و بخشی از مهم‌ترین داستان‌های کلان کشور در این مناطق رقم خورده است. امروز هم که تقریباً در تمامی افغانستان جنگ جریان دارد، کندز با نبردهای شدیدتر از دیگر ولایات، صدها آواره و بی‌جا شده دارد و مسوولان به سختی توانسته‌اند مرکز ولایت را نگهدارند.

اگر مروری بر چند روند تعیین والی و والیان گذشته برای ولایت کندز داشته باشیم، نگاه قبل از شناخت و از بیرون به داخل این ولایت داشته‌اند که گاهی این نگاه به فاجعه منجر شده است. نزدیک به تمام والی‌های قبلی، از بیرون کندز بودند و ماه‌ها گذشت تا کندز را اندکی شناختند، اما زمانی که این ولایت را شناختند، هراس گرفتند و به بهانه‌ای خواستار تبدیل خود شدند. مریضی را بهانه کردند و یا مشکلات دیگری به میان آوردند.

کار ساخت بند پاشدان هرات چند درصد پیش رفته است؟



یافته‌های هیأت اعزامی مجلس نماینده‌گان به هرات نشان می‌دهد که آمار ارایه شده از پیشرفت کار ساخت بند آب‌گردان پاشدان ضدونقیض است. بر این اساس، تفاوت زیادی میان آمار اداره محلی هرات و اداره ملی تنظیم امور آب، از پیشرفت کار ساخت بند پاشدان وجود دارد؛ زیرا بر مبنای آمار مقام‌های محلی هرات، کار ساخت بند در فاصله تنها شش روز، ۲۵ درصد پیش رفته است. اداره محلی هرات تأکید دارد که ساخت بند پاشدان در مجموع حدود ۸۰ درصد پیش رفته و قرار است تا دو ماه دیگر روند آب‌گیری آن آغاز شود. اداره ملی تنظیم امور آب می‌گوید که کار ساخت مجموع بند بیش‌تر از ۶۵ درصد پیش‌رفت داشته و کار ساخت بند بند بیش از ۸۰ درصد است.

گزارش هیأت مجلس نماینده‌گان هم‌چنان از وجود مشکلات مالی میان شرکت پیمان‌کار بند پاشدان و میوند بانک حکایت دارد و این بانک از وجود برخی تخلف‌های مالی به پارلمان شکایت کرده است. یک مقام پیشین وزارت انرژی و آب نیز می‌گوید که در روند ساخت بند مشکلات اساسی وجود دارد. از جانب دیگر شرکت قراردادهنده، خلاف گفته اداره ملی تنظیم امور آب، ادعا دارد که روند ساخت کل پروژه بیش از ۸۰ درصد پیش‌رفت دارد. مقام‌های این شرکت، اما حاضر نشدند به پرسش‌های روزنامه ۸صبح در پیوند به ادعای تخلفات مالی و خلاف‌ورزی در روند ساخت بند پاشدان پاسخ بدهند.

آمار ضدونقیض و خیالی

مجلس نماینده‌گان طی نشست در سی‌ویکم حمل سال روان فیصله کرد که هیأتی متشکل از قدرت‌الله رحیمی، مأمور احمدزی، نرندرسینگ خالصه و شهناز غوثی، به ریاست حمیدالله حنیف، نماینده هرات در مجلس نماینده‌گان، برای بررسی کار ساخت بند پاشدان به هرات سفر و یافته‌هایش را با مجلس شریک کند. یافته‌های اعضای کمیسیون عرایض و سمع شکایات مجلس نماینده‌گاه کشور که برای بررسی روند ساخت بند پاشدان به هرات سفر کرده بودند، نشان می‌دهد که آمار مقام‌های حکومتی در پیوند به پیش‌رفت کار ساخت بند ضدونقیض است.

در گزارش هیأت آمده است که اداره ملی تنظیم امور آب در بیست‌وهشتم حوت سال ۱۳۹۹ خورشیدی اعلام کرد که کار ساخت بند پاشدان ۶۰ درصد پیش رفته، اما در فاصله شش روز به تاریخ چهارم حمل سال ۱۴۰۰ خورشیدی، والی هرات پیش‌رفت ساخت بند پاشدان را ۸۵ درصد اعلام کرده است. در این گزارش هیأت مجلس نماینده‌گان هم‌چنان ذکر شده که اداره ملی تنظیم امور آب در تاریخ هفتم حمل سال ۱۴۰۰ خورشیدی با تأیید آمار مقام‌های محلی هرات، در ویب‌سایت خود پیش‌رفت کار ساخت بند پاشدان را ۸۵ درصد ذکر کرده است.

بر اساس گزارش هیأت مجلس نماینده‌گان، سیدوحید قتالی، والی پیشین هرات، در ماه حمل سال ۱۴۰۰ خورشیدی با اعلام پیش‌رفت ۸۵ درصدی کار ساخت بند پاشدان، تأکید کرده بود که آب‌گیری این بند تا یک ماه دیگر یعنی در ماه ثور آغاز می‌شود. یافته‌های هیأت حاکی از آن است که در قرارداد طول دیوار اصلی قسمت خاکی بند یک هزار و ۱۴۰ متر ذکر شده که ۹۴۰ متر آن تکمیل شده و ۲۰۰ متر باقی مانده است. از بخش «انتک تاور» که مجموعاً ۵۲ متر ارتفاع دارد، تنها ۱۵ متر کار شده است.

به همین ترتیب، از ۲۵۰ متر طول «پین استاک» تنها در حدود ۳۰ متر کار شده و در بخش توربین‌ها یا «پاور هوس» تاکنون کندن کاری نشده و توربین‌های بند نیز تا حالا خریداری نشده است. بخش سرریز هم تاکنون تکمیل نشده و کار دیوارهای اطراف آن باقی مانده است. از مجموع طول کانال‌های پایین‌دست به استناد معلومات ارایه شده از سوی معاون بند پاشدان تنها حدود ۵۵ درصد کانکریت‌ریزی شده و از مجموع حدود ۱۴ کیلومتر طول کانال تنها ۷۵ کیلومتر کار شده است. در قسمت ساخت سرک‌های جدید و ترمیم سرک‌های موجود اطراف پروژه نیز هیچ کاری صورت نگرفته است. گزارش هیأت اعزامی مجلس نماینده‌گان به ولایت هرات نشان می‌دهد که خلاف آمار ارایه شده از سوی مقام‌های محلی هرات، کار ساخت برخی بخش‌های مهم بند آب‌گردان پاشدان پیش‌رفت چندانی نداشته و آمار ارایه شده از سوی مقام‌های حکومتی ضدونقیض است.

مشکلات مالی شرکت هیوادوال و میوند بانک

رییس هیأت عامل میوند بانک، در نامه شماره ۲۴۸ مورخ سی‌ویکم حمل ۱۴۰۰ به کمیسیون سمع شکایات پارلمان، از برخی تخلف‌های مالی شکایت کرده است. مطابق قراردادهای شماره ICB/947/MBW پروژه دیزاین و ساختمان بند آب‌گردان پاشدان هرات، بین وزارت انرژی و آب و شرکت هیوادوال به قیمت مجموعی ۱۱۷ میلیون و ۸۸۳ هزار و ۴۱۴ دالر امریکایی قرارداد شده است. بر مبنای این نامه میوند بانک، شرکت هیوادوال بر اساس ضمانت پیش‌پرداخت قرارداد شماره MB/HO/ BG/USD/539/2015 مبلغ ۱۱ میلیون و ۷۸۸ هزار و ۳۴۱ دالر امریکایی و ضمانت بانکی شماره MB/HO/ BG/USD/0128/2015 مبلغ ۱۱ میلیون و ۷۸۸ هزار و ۳۴۱ دالر امریکایی و در مجموع مبلغ ۲۳ میلیون و ۵۷۶ هزار و ۶۸۲ دالر امریکایی از میوند دریافت و به وزارت انرژی و آب تحویل کرده است.

میوند بانک مدعی است که بر اساس قوانین بانکی و ضمانت بانکی ارایه شده به شرکت هیوادوال، تمام پول‌هایی که از طرف وزارت انرژی و آب از بابت پروژه بند پاشدان به شرکت هیوادوال پرداخت می‌شود، باید از طریق این بانک انتقال داده شود تا بانک بتواند کمیشن‌های بانکی خود را کسب کند. رییس هیأت عامل میوند بانک در نامه ارسالی به مجلس نماینده‌گان نگاشته است که شرکت هیوادوال تاکنون حاضر نشده قرضی که از این بانک دریافت کرده را تسویه کند و مسأله انتقال پول از وزارت انرژی و آب به شرکت هیوادوال در چند مکتوب جداگانه از سوی بانک مرکزی به وزارت انرژی و آب اطلاع داده شد، اما این وزارت توجه نکرده است.

به همین‌گونه ضمانت بانکی که شرکت هیوادوال در میوند بانک داشت، مبلغ ۲۳ میلیون و ۵۷۶ هزار و ۶۸۲ دالر امریکایی بود که وزارت انرژی و آب این مقدار پول را از میوند بانک دریافت کرد، اما پول‌های پرداختی به شرکت توسط اداره ملی تنظیم امور آب از طریق افغان یونایتد بانک انجام می‌شود. مقام‌های میوند بانک ادعا دارند که وزارت انرژی و آب پول‌های پرداختی به شرکت هیوادوال را با حساب بانکی شماره «USD ۱۲۰۲۰۰۷۰۰۹۹۱۰» از طریق افغان یونایتد بانک به این شرکت پرداخت می‌کند و از دید میوند بانک این فرایند خلاف اصول بانکداری است.

یافته‌های هیأت اعزامی مجلس نماینده‌گان هم‌چنان نشان می‌دهد که «نویس‌ها/سرجمع پرداختی پول»



محمدحسین نیکخواه

۵۷،۹۸ درصد اجرا شده و در جواب استعلام شماره ۱۱ نگاشته شده است که آخرین پرداختی در ماه حوت سال ۱۳۹۳ طی مراحل و پس از آن پول دیگری پرداخت نشده است.

ادعای فریب‌کاری شرکت

یک مقام ارشد پیشین در وزارت انرژی و آب که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که بند پاشدان یک بند معمولی نیست و روی رودخانه‌ای فرامرزی ساخته می‌شود و این بند ابعاد سیاسی، اقتصادی و تکنیکی پیچیده دارد. به گفته او، شرکت‌هایی که بندهای آب را در افغانستان می‌سازند، باید به گونه مشارکتی با شرکت‌های خارجی کار کنند و این یکی از معیارهای سدسازی در افغانستان است. وی تصریح کرد: «در افغانستان هیچ شرکتی وجود ندارد که در سالیان گذشته تجربه ساخت بند را داشته باشد و سپردن قرارداد ساخت بندها به شرکتی که تجربه ندارد، ممکن نیست.»

منبع می‌افزاید، اداره تدارکات ملی قراردادهای ساخت‌وساز بندها را باید به شرکت‌هایی بدهد که به گونه مشارکتی با شرکت‌های خارجی کار می‌کنند و شرکت خارجی هم تجربه ساخت‌وساز بندهای آب را در کشورهای دیگر داشته باشد. به گونه مثال برای ساخت بند کمال‌خان چهار شرکت خارجی فعالیت می‌کنند. از دید منبع، بند کمال‌خان در مقایسه با بند پاشدان هرات کوچک‌تر است و بودجه‌ای نزدیک به ۷۷ میلیون دالر دارد، اما برای ساخت بند پاشدان چیزی حدود ۱۱۸ میلیون دالر امریکایی هزینه شده و باید در روند ساخت‌وساز و مراحل پیچیده تکنیکی شرکت‌های معتبر خارجی مشارکت داشته باشند.

بنا بر ادعای شرکت پیمان‌کار ساخت بند پاشدان، یک شرکت آذربایجانی به نام «آذی‌تیک» در روند ساخت بند مشارکت داشت و اسناد قانونی آن هم در وزارت انرژی و آب طی مراحل شده بود، اما بررسی وزارت انرژی و آب نشان داد که عملاً هیچ شرکت آذربایجانی در ساخت بند پاشدان مشارکت ندارد. این مقام پیشین وزارت انرژی و آب تأکید دارد که ساخت‌وساز بندهای آب‌گردان ظرفیت‌های خاص خود را دارد و اجرای برخی مراحل پیچیده تکنیکی در جریان ساخت از عهده شرکت‌های داخلی بیرون است و باید شرکت‌های معتبر خارجی که تجربه ساخت بند را دارند، مشارکت داشته باشند.

به گفته منبع، بررسی‌های وزارت انرژی و آب نشان داد که در ساخت‌وساز بند پاشدان عملاً هیچ شرکت خارجی حضور ندارد و اصلاً هیچ متخصص فنی از شرکت‌های خارجی در محل ساخت بند حضور نداشت و مشکلات

موجود سبب شد که قرارداد ساخت بند از سوی اداره تدارکات ملی لغو شود، اما دوباره قرارداد به شرکت هیوادوال سپرده شد. از دید کارشناسان سدسازی، ساخت‌وساز بندهای آب‌گردان مانند سایر بناها ساده نیست و اگر در ساخت یک تعمیر مشکلی به وجود آید، ساختمان ویران می‌شود، اما اگر در ساخت بندهای آب‌گردان دقت نشود، با شکستن دیوار بند ممکن است یک شهر به کلی ویران شود.

پاسخ شرکت و اداره تنظیم آب

اداره ملی تنظیم امور آب در پاسخ به آمار ضدونقیض از پیش‌رفت کار بند پاشدان می‌گوید که کار ساخت به دو بخش تقسیم شده که یکی پیش‌رفت کار کل پروژه و دیگری پیش‌رفت کار ساخت بدنه بند است. بر اساس آمار اداره ملی تنظیم امور آب، ساخت بدنه بند بیش از ۸۰ درصد و ساخت کل پروژه بیش از ۶۵ درصد پیش رفته است. نظام‌الدین خیلواک، سخنگوی اداره ملی تنظیم امور آب، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که این نهاد نمی‌داند مقام‌های محلی هرات از کدام آدرس پیش‌رفت کار ساخت بند را ۸۵ درصد اعلام کرده‌اند. او هم‌چنان افزود که مشکلات مالی شرکت و میوند بانک به اداره ملی تنظیم آب ربطی ندارد و این نهاد از کیفیت کار ساخت بند راضی است.

محمدعارف اچکزایی، مسوول شرکت هیوادوال در هرات، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که تمام پروژه شامل دیوار، کانال‌ها و سایر بخش‌ها ۸۰ درصد پیش‌رفت دارد. او حاضر نشد به پرسش‌های روزنامه ۸صبح در پیوند به ادعای تخلف‌های مالی یا میوند بانک و ادعای مقام‌های پیشین وزارت انرژی و آب مبنی بر فریب‌کاری شرکت پاسخ دهد. نماینده شرکت هیوادوال از روزنامه ۸صبح خواست که پرسش‌های خود را با نماینده اداره ملی تنظیم امور آب در پروژه بند پاشدان مطرح کند، اما عبدالله قاضی‌زاده، نماینده اداره ملی تنظیم امور آب، گفت که او نمی‌تواند بدون هماهنگی با این اداره، به این پرسش‌ها پاسخ بدهد.

به این ترتیب، نماینده شرکت ساخت بند پاشدان و نماینده اداره ملی تنظیم امور آب در پروژه بند پاشدان حاضر نشدند به پرسش‌های روزنامه ۸صبح، ادعاهای مطرح شده در گزارش هیأت اعزامی مجلس نماینده‌گان به هرات و ادعای مقام‌های پیشین وزارت انرژی و آب پاسخ دقیق و همه‌جانبه ارایه کنند. از جانب دیگر، جیلانی فرهاد، سخنگوی والی هرات، می‌گوید کار ساخت بند پاشدان در مجموع ۸۰ درصد پیش‌رفت است و پیش‌رفت کار شامل بخش‌های گوناگون پروژه می‌شود. او مشخص نکرد که هر کدام از بخش‌های مهم بند به گونه جداگانه چه‌قدر پیش‌رفت داشته است.

کار ساخت بند آب‌گردان پاشدان در ولسوالی کرخ هرات در سال ۱۳۹۰ خورشیدی آغاز شد و قرار بود طی سه سال به پایان برسد، اما با گذشت ۱۰ سال از آغاز ساخت‌وساز، مشکلات گوناگون سبب کندی کار شده و مقام‌های حکومتی و شرکت هیوادوال آمار ضدونقیض از پیش‌رفت کار ساخت این بند آب‌گردان ارایه می‌کنند.



د افغانستان اسلامي جمهوریت
وزارت صنعت و تجارت
Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Industry & Commerce



ریاست عمومی مالی و اداری
ریاست تدارکات
امریت تسهیل قراردادهای پلانگذاری

اعلان دعوت به داوطلبی

وزارت صنعت و تجارت از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروژه داوطلبی پروژه‌ی «کنفرانس و نمایشگاه بین‌المللی ایکو ۲۰۲۱» تحت شماره داوطلبی MOIC/NCB/NC/1400/001 اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه، ارایه نمایند. بدین وسیله، تمام داوطلبان واجد شرایط می‌توانند بعد از نشر اعلان الی ۱۴۰۰/۵/۴ یک نقل شرطنامه آن را از ریاست تدارکات این وزارت و وبسایت اداره تدارکات ملی اخذ و به روز معین داوطلبی که در ذیل ذکر گردیده است، اشتراک نمایند. تضمین آفر مبلغ (۵۹۰۰۰۰۰) پنجمصد و نود هزار افغانی به صورت بانک گرانتی و جلسه آفرگشایی آن روز سه‌شنبه مؤرخ ۱۴۰۰/۵/۵ ساعت ده بجه قبل از ظهر در شعبه آفرگشایی ریاست تدارکات وزارت صنعت و تجارت دایر می‌گردد.

دبیر بخش ویدیو: محمدنصیر کاوشگر
خبرنگاران: عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیکخواه، خلیل رسولی، شکیبا سعیدی، الیاس طاهری، احمدشاه شاداب، محمدزمان سهیل، نیازالله اصیل، شمیم فروتن شایق قاسمی، بهروز خاوری، معصومه عرفان، اعجازالحق سامی، زهرا عطایی

ویراستاران: علی نظری، اسحق علی احساس
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰-۰۷۸۷۸۷۹۹
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: تایمنی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیرمسوول: مجیب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com
سر دبیر: خلیل اسیر 8am.daily@gmail.com
دبیر گزارش‌ها: حسین حیدری
دبیر بخش خبر: علی‌شاه حقمیل
دبیر بخش صلح: آسیه حمزه‌ای
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad mujib_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

خروج دالر، سقوط افغانی



عبدالبصیر غفاری
مدیر پیشین مالی و
اداری وزارت انرژی
و آب

سیر نزولی ارزش پول افغانی نگرانی جدی‌ای را برای مردم و سکتور خصوصی در روزهای اخیر ایجاد و نگاه‌ها را متوجه حکومت و خصوصاً د افغانستان بانک کرده است که این وضعیت را چطور کنترل می‌کنند. وقتی ارزش افغانی به شدت کاهش پیدا می‌کند، حداقل انتظار از مقامات د افغانستان بانک، وزارت‌های مالی و اقتصاد و تجارت این است که کنفرانس خبری مشترک برگزار و تلاش کنند وضعیت را برای مردم شرح دهند و با اعتمادسازی اوضاع را کنترل کنند.

مطابق ماده ۶۹ قانون د افغانستان بانک، طرح، اتخاذ و اجرای سیاست ارزی کشور از جمله وظایف انحصاری این بانک است. در حال حاضر د افغانستان بانک با اتخاذ رژیم نرخ مبادله انعطاف‌پذیر مدیریت‌شده (Managed Floating Exchange Rate) تلاش دارد تا نرخ مبادله پول افغانی با سایر اسعار براساس «عرضه و تقاضا» در بازار داخلی تعیین شود. هم‌چنان «ثبات ارزش پول افغانی» تأثیر مستقیم روی «ثبات قیمت‌های داخلی» دارد که مطابق ماده دوم قانون د افغانستان بانک، هدف اصلی این بانک است. در حال حاضر د افغانستان بانک با لیلام مقادیر مشخص دالر و اوراق سرمایه (Capital Notes) به صورت محدود در تلاش برای کاهش سقوط ارزش پول افغانی است. اما سوالی که مطرح است، این است که آیا لیلام هفته‌وار چند میلیون دالر می‌تواند جلوی سقوط ارزش پول افغانی را بگیرد؟ وقتی میلیاردها دالر سالانه از اقتصاد کشور خارج می‌شود، آیا تزریق چند میلیون دالر در بازار داخلی می‌تواند تعادل را بین عرضه و تقاضا ایجاد کند؟ آن هم در فضای شکننده موجود که خشونت‌ها در حال افزایش است؟

بدیهی است که ارزش پول افغانی انعکاس‌دهنده وضعیت اقتصادی - سیاسی امروز کشور در مقایسه با گذشته و سایر کشورها است و نوسانات آن نه تنها تأثیرات غیرقابل کنترلی بر دست‌رخوان مردم دارد؛ بلکه روی تصویری که از افغانستان به بیرون ارایه می‌کند، اثرگذار است. بنابراین، انتظار از حکومت این است که یک برنامه جامع را برای ثبات قیمت‌های داخلی ارایه کند و با اعتمادسازی جلوی سوءاستفاده از نوسانات ارزش افغانی و متعاقباً تأثیرات آن روی قیمت‌های کالاها را بگیرد. نوسانات ارزش افغانی تأثیرات منفی روی مستهلکین و سرمایه‌گذاران، نرخ تورم و سطح عمومی قیمت‌ها دارد و نباید نسبت به آن بی‌تفاوتی وجود داشته باشد.

اگرچه کدام فرمول جادویی برای ثبات و تقویت ارزش پول وجود ندارد و این امر نیازمند کارهای زیرساختی و بنیادی طولانی‌مدت است، در این نوشته اما تلاش می‌شود تا راهکارهایی که می‌تواند به ثبات ارزش افغانی کمک کند، بررسی شود:

۱- باید واردات محدود شود: خروج سالانه بیش‌تر از ۸ میلیارد دالر، آن هم فقط از اقتصاد رسمی کشور، عامل ریشه‌ای در افزایش تقاضا برای دالر است؛ دالرهایی که برای خریداری کالاهای مصرفی که هیچ‌گونه ارزش افزوده ندارد، هم‌روزه از کشور بیرون می‌شود و دوباره هم برنمی‌گردد. حکومت باید با اتخاذ سیاست‌های مالیاتی و افزایش تعرفه‌ها، خصوصاً بر کالاهای لوکس و تجملی و کالاهایی که مشابه

آن در داخل تولید می‌شود، تقاضا برای خرید آن‌ها از بیرون کشور را کاهش دهد و جلوی خروج دالر را بگیرد.

۲- باید رژیم نرخ مبادله افغانی اصلاح شود: در حال حاضر د افغانستان بانک از جمله هشت نوع رژیم ارزی رایج در دنیا، «رژیم نرخ مبادله انعطاف‌پذیر مدیریت‌شده» را انتخاب کرده است. تحت این رژیم، نرخ مبادله در مقابل اسعار در بازار براساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. بدیهی است که سیاست‌های ارزی با در نظر داشت شرایط اقتصادی، سیاسی، بیلابس تجاری، درجه باز بودن و بسته بودن اقتصاد بازار و ... تغییر می‌کند. یکی از سوالاتی که اکنون مطرح است، این است که آیا وقت آن نرسیده است که با تغییر سیاست ارزی، د افغانستان بانک نرخ مبادله افغانی را هدف قرار دهد و قیمت آن را برای مدتی خودش تعیین کند تا جلوی سوءاستفاده‌ها از نوسانات شدید ارزش افغانی گرفته شود؟

۳- باید جلوی قاچاق دالر گرفته شود: د افغانستان بانک بارها از قاچاق دالر به بیرون از کشور هشدار داده است. بنادر حیرتان، اسلام‌قلعه و تورخم و اخیراً میدان‌های هوایی مسیرهای عمده برای قاچاق پول به بیرون است. هم‌چنین در نزدیک به دو دهه اخیر، مافیا و کارتل‌های بزرگ فساد، پول‌های زیادی را یا به صورت سازمان‌دهی شده و یا انفرادی به دست آوردند که با توجه به کاهش نرخ پول افغانی، اکثر پول‌شویی‌ها از طریق قاچاق دالر به بیرون صورت می‌گیرد. باید با قاچاقچیان دالر برخورد سخت‌گیرانه قانونی صورت گیرد. هم‌چنان مدت‌ها است که میلیون‌ها دالر توسط شرکت‌های هرمی، فارکس، پلتفرم‌های دیجیتال، کریپتوکارنسی‌ها و ... از کشور خارج می‌شود و کوچک‌ترین توجهی به آن‌ها نمی‌شود.

۴- باید اعتماد سکتور خصوصی جلب شود: افزایش خشونت‌ها و اوضاع مبهم سیاسی باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران با تردید منتظر و نظاره‌گر اوضاع کشور باشند و اکثر صاحبان سرمایه به جای سرمایه‌گذاری‌های میان‌مدت و طولانی‌مدت، سرمایه‌های خود را به پول نقد (دالر) تبدیل کنند. رقابت منطقه‌ای و جهانی برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی بین اکثر کشورها وجود دارد؛ خصوصاً زمانی که این سرمایه‌گذاری‌ها منجر به اخذ تابعیت آن کشورها شود، جذابیت زیادی را ایجاد می‌کند. با توجه به شرایط دشوار کشور، علاقه‌مندی زیادی بین مردم برای کسب پاسپورت سایر کشورها از طریق سرمایه‌گذاری ایجاد شده که این امر باعث خروج مبالغ هنگفت دالر از اقتصاد کشور شده است. باید اعتماد سکتور خصوصی برای سرمایه‌گذاری داخلی جلب و برای آن‌ها تضمین‌های لازم ارایه شود.

۵- باید اقتصاد ریاضتی جایگزین اقتصاد مصرفی شود: نبود زیرساخت‌ها و تسهیلات مناسب اقتصادی، باعث شده است که پول نقد نتواند به سرمایه‌گذاری مولد و ارزش افزوده در چرخه اقتصادی کشور مبدل شود. پول نقد افغانی عمدتاً وسیله‌ای برای خرید دالر و واردات محصولات خارجی عمدتاً مصرفی است که هر ساله میلیون‌ها دالر مانند چوب سوخت در این اقتصاد غیرمولد تبدیل به خاکستر می‌شود. بنابراین، باید دولت و مردم مصارف‌شان را به صورت حداکثری کاهش دهند و جلوی تمامی مصارف غیرضروری گرفته شود.

۶- باید بازارهای سرمایه (Market Capital) ایجاد شود: نبود بازارهای مالی مدرن که بتواند مانند پل بین واحدهای سرمایه‌گذاری و سرمایه‌های راکد ارتباط برقرار کند، یکی دیگری از عوامل رشد نقدینه‌گی پول افغانی در بازار است. افغانستان نیازمند بازارهای بورس و اوراق قرضه بهادار (Stock and Bonds Markets) است تا با خرید و فروش سهام (Stock) شرکت‌های سهامی و اوراق قرضه بهادار Bonds در مقابل پول نقد، هم سرمایه مورد نیاز سرمایه‌گذاران خصوصی و دولتی تأمین شود و هم سرمایه‌گذاری داخلی را تقویت کند و جلو رشد فزاینده نقدینه‌گی پول افغانی را نیز بگیرد.

۷- باید عواید جمع‌آوری و چشمه‌های جدید عایداتی ایجاد شود: وقتی مقامات رسمی می‌گویند که فقط روزانه تا هشت میلیون دالر در گمرکات حیفاومیل می‌شود، همین کافی است تا عمق فاجعه در جمع‌آوری عایدات محاسبه شود. تزریق میلیاردها دالر کمک جامعه جهانی و مصارفات نیروهای خارجی، بزرگ‌ترین عامل ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا در بازار تبادلات پول افغانی در مقابل دالر بوده است. اگرچه میلیاردها دالر به خاطر اقتصاد مصرفی و غیرمولد از کشور خارج می‌شود؛ اما مبالغ هنگفت کمک‌های خارجی این اقتصاد ورشکسته را حداقل در ظاهر زنده نگه می‌داشت. کاهش روزافزون کمک‌های خارجی و مصارفات نیروهای خارجی، یکی از دلایل کمبود دالر در بازار کشور است که این کمبود باید با ایجاد چشمه‌های جدید مالیاتی و افزایش عواید جبران شود.

۸- باید اجماع ملی، اعتماد ملی و روحیه ملی تقویت شود: افزایش خشونت‌ها، کندی روند مذاکرات صلح، خروج نیروهای خارجی، بسته شدن بعضی از دفاتر دیپلماتیک از یک طرف و صداهای مختلف و بعضاً متناقض سیاسیون کشور از طرف دیگر، باعث شده است تا روند سیاسی کشور مبهم و شکننده به نظر برسد و به صورت روزافزون تأثیرات خود را روی اقتصاد کشور بگذارد. باید به تشویش و نگرانی‌های مردم نقطه پایان گذاشته شود و تمام سیاسیون کشور اجماع کنند تا اعتماد ملی تقویت شود. یک روند گنگ و مبهم مردم را سردرگم و بسیار محافظه‌کار می‌کند و باعث می‌شود که تعداد زیادی از آنان، پول و سرمایه خود را به دالر تبدیل کنند و تقاضا برای دالر به صورت غیرواقعی افزایش یابد.

۹- باید ارزش پول افغانی قیمت بازار را تعیین کند نه چند نفر: اگرچه د افغانستان بانک بعضی از ابتکارات را برای نظام‌مند ساختن صرافی‌ها روی دست گرفته بود که با بعضی از مخالفت‌ها نیز مواجه شد؛ ولی باید این بانک یک تحول اساسی را در صرافی‌ها ایجاد کند تا شفافیت و پاسخگویی تقویت شود. واقعیت این است که بعضاً چند مافیای بزرگ از لیلام دالر سود می‌برند و قیمت دالر را بازار نه، بلکه چند نفر تعیین می‌کنند و از نوسانات آن سود می‌برند. در پایان این‌که ادامه استفاده از رژیم نرخ مبادله انعطاف‌پذیر مدیریت‌شده در چنین روزهای بحرانی، واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد و حکومت باید برای ثبات ارزش افغانی ابتکار عمل را به دست گیرد. هم‌چنان تدابیر خاص برای جلوگیری از خروج دالر از کشور روی دست گرفته شود و با مجرمان برخورد شدیدتر صورت گیرد. در غیر این صورت، تقاضا برای دالر هر روز افزایش خواهد یافت و ارزش افغانی سقوط خواهد کرد.

واکنش سردبایدن در برابر فروپاشی افغانستان عواقب گسترده‌ای در پی خواهد داشت



منبع: واشنگتن پست
مترجم: سیدجمال اخگر

وقتی رییس جمهور بایدن در ماه اپریل تصمیم گرفت که نیروهای ارتش امریکا را از افغانستان بیرون کند، ما از جمله کسانی بودیم که در این مورد قضاوت کردیم و گفتیم که نتیجه این امر برای ۳۸ میلیون افغان، به ویژه زنان، فاجعه‌بار خواهد بود. اکنون به نظر می‌رسد که این فاجعه سریع‌تر از آنچه پیش‌بینی شده بود، در حال اتفاق افتادن است. در هفته‌های اخیر، نیروهای طالبان ده‌ها ولسوالی را در یک حمله سراسری تصرف، چندین شهر را محاصره و راه‌های اصلی ورود به کابل را مسدود کرده‌اند.

جنرال آستین اسکات میلر، فرمانده ارتش امریکا، روز سه‌شنبه در یک کنفرانس خبری از احتمال وقوع یک جنگ داخلی پس از عقب‌نشینی ایالات متحده هشدار داد. وی افزود که «این باید برای جهان نگران‌کننده باشد». این موضوع حداقل باید برای آقای بایدن که یک وضعیت دشوار را از رییس جمهور دونالد ترامپ به ارث برد، قابل نگرانی باشد. او اما به جای این‌که به رفع این دشواری‌ها بپردازد، تصمیم به خروج نیروها گرفت.

رییس جمهور بایدن با توجه به فروپاشی اولیه دولت و ارتش افغانستان که ایالات متحده دو دهه برای ساختن آن‌ها وقت و پول هزینه کرد، باید در مورد دستور خروج عجلانه خود تجدید نظر کند. در عوض، او نسبت به عواقب وخیم این کشور، سرد برخورد کرده است.

براساس گزارش ماه گذشته وال استریت ژورنال، آقای بایدن تصمیم گرفته بود تا روند عقب‌نشینی نیروهای امریکایی از پایگاه اصلی این نیروها در بگرام را که برخی از مقامات ایالات متحده طرف‌دار آن بودند، کندتر کند. اما پایگاه میدان هوایی بگرام، این هفته تخلیه شد.

جمعه گذشته، رییس جمهور بایدن با اشرف غنی، رییس جمهور افغانستان در کاخ سفید دیدار کرد تا فقط اعلام کند که «افغان‌ها باید خود، آینده‌شان را تعیین کنند». در صورت ادامه روند فعلی، یک آینده ناخوشایند در انتظار افغانستان خواهد بود. در صورت نبود مشاوران خارجی و پشتیبانی هوایی ایالات متحده، نیروهای ارتش افغانستان تضعیف می‌شوند و ممکن است یک‌بار دیگر این کشور به پایگاه امن تروریستان فرامولی مبدل شود.

دولت افغانستان ناچار شبه‌نظامیان مردمی را دعوت برای مبارزه با طالبان کرده است که این کشور را با خطر برگشت به درگیری آنارشیک و راه‌زنی که در دهه ۱۹۹۰ دامن‌گیرش شده بود، روبه‌رو کرده است.

ارزیابی‌های اطلاعاتی ایالات متحده که هفته گذشته منتشر شد، نشان می‌دهد که ممکن است حکومت افغانستان حتا با حمایت خیزش‌های مردمی هم نتواند ادامه دهد و ممکن است ظرف شش تا ۱۲ ماه پس از خروج ایالات متحده به سقوط مواجه شود.

اگر این اتفاق بیفتد، نه تنها افغان‌ها در معرض خطر قرار می‌گیرند؛ بلکه براساس مطالعاتی که توسط کنگره انجام شده است، القاعده می‌تواند پایگاه‌های خود را در این کشور راه‌اندازی کند. موج‌های پناه‌جویان احتمالاً سرازیر خواهند شد و همسایه‌های افغانستان، از جمله پاکستان را بی‌ثبات و در مرزهای اروپا تجمع گسترده خواهند کرد. رقبای امریکا مانند ایران، چین و روسیه می‌توانند نتیجه بگیرند که آقای بایدن شجاعت کافی برای ایستاده‌گی در کنار متحدان جنگ‌زده ایالات متحده مانند عراق، تایوان و اوکراین ندارد.

آقای بایدن هفته گذشته به درستی نقشه‌هایی را برای انتقال افغان‌هایی که برای ایالات متحده کار می‌کردند، سفارش داد؛ اما او باید کارهای بیش‌تری را برای کسانی که هنوز برای نجات افغانستان می‌جنگند، انجام دهد.

وی باید اجازه دهد که از نیروهای هوایی ایالات متحده حتا پس از عقب‌نشینی برای پشتیبانی نیروهای ارتش افغانستان، استفاده شوند. بایدن باید راه‌هایی بیابد که بتواند نیروی هوایی افغانستان را حتا پس از خروج پیمان‌کاران حفظ و مراقبت خارجی، روی پا نگه دارد.

ایالات متحده باید با ترکیه در مورد تأمین امنیت میدان هوایی کابل توافق کند، در غیر این صورت، سفارت امریکا در کابل مجبور به تعطیلی خواهد شد. آقای بایدن مدت‌ها است که به مأموریت ایالات متحده در افغانستان تردید دارد. هم‌چنانی که تعداد نیروها و هزینه‌های اختصاص داده‌شده به آن‌ها به شدت کاهش یافته است، او به این موقف پای‌بند است. نظر بایدن این است که جنگ علیه طالبان غیرضروری و غیرقابل پیروزی است. اما عبور از بن‌بست به شکست، می‌تواند عواقب تیره‌وتار داشته باشد. ما نمی‌دانیم که آیا بایدن عواقب این تصمیم خود را کاملاً سنجیده است یا خیر؟